به نام خدا





عنوان گزارش:

مبانی حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی و زیستگاه ها

(مفاهیم، چشم انداز، برنامه ریزی و اجرا)

تاریخ نشر:

شهریور ۱۴۰۳

شناسنامه گزارش			
عنوان	**مبانی حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی و زیستگاه ها (مفاهیم، چشم انداز، برنامه ریزی و اجرا)**		
کد شناسه	**۱۴۰۳-۰۹-۱۰۰۱۸**	**تاریخ انتشار**	**۱۴۰۳/۰۶/۱۰**
پدید آورنده یا پدیدآورندگان	**فرهاد حسینی طایفه[۱]، منا ایزدیان[۲]، راضیه قیومی[۳]**		
ناشر	**انتشارات پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار**		
آدرس اینترنتی	**https://rcesd.ac.ir/**		

حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط زیست تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر ماخذ بلامانع است.

[۱] عضو هیئت علمی، پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار
[۲] عضو هیئت علمی، پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار
[۳] پژوهشگر، پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار

فهرست

۱- مقدمه ۱
۲- رویکردهای حفاظت..... ۳
۳- تاریخچه حفاظت مشارکتی از تنوعزیستی..... ۵
٤- جایگاه رویکرد حفاظت مشارکتی در قوانین و مقررات ایران ۱۰
۵- اهمیت رویکرد مشارکتی در برنامهریزی حفاظتی.....۱۲
٦- مزایای برنامه‌ریزی مشارکتی حفاظت.....۱۳
۷- معایب برنامه‌ریزی مشارکتی حفاظت ۱۳
۸- سطوح برنامهریزی حفاظت مشارکتی ۱٤
۹- فرایند برنامهریزی حفاظت مشارکتی.....۱۵
۱۰- چه کسانی باید در روند برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی دخالت داشته باشند؟.....۲۰
۱۱- شناخت و تحلیل ذینفعان ۲۰
۱۲- مراحل اجرایی فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی ۲٤
۱۳- موارد مهم در رویکرد حفاظت مشارکتی ۲۵
منابع: ۲۷

۱- مقدمه

واژه تنوع‌زیستی (Biodiversity) بین علاقه‌مندان به علوم طبیعی و بوم‌شناسان مورد توجه بوده و یک پدیده چند بعدی است که دارای پیچیدگی‌های خاص خود در مطالعات بوم‌شناختی می‌باشد (Hurlbert, 1971). تنوع‌زیستی به معنای گوناگونی حیات و یک منبع تجدیدناشدنی بوده و از دست دادن آن غیرقابل جبران خواهد بود. اهمیت روزافزون تنوع-زیستی به‌خاطر نقش آن در حفظ ثبات بوم‌سازگان‌ها است. در یک زیستگاه هر چه تنوع بیشتر باشد، زنجیره‌های غذایی طولانی‌تر و شبکه‌های حیاتی پیچیده‌تر گردیده و در نتیجه محیط پایدارتر و شرایط خودتنظیمی بیشتری دارد (Tuomisto, 2010).

تنوع زیستی در جهان رو به فرسایش و تخریب بوده و کاهش سرعت نابودی تنوع‌زیستی در مقیاس جهانی و منطقه‌ای بر اساس مفاد معاهده تنوع‌زیستی و برای تحقق آرمان‌های بین‌المللی حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه‌ها الزامی است (Butchart *et al.*, 2010). تشریح تنوع‌زیستی در مقیاس‌های مختلف یک موضوع اساسی در بوم‌شناسی است و انجام مطالعات تنوع‌زیستی، ترکیب گونه‌ای و روند تغییرات جمعیت گونه‌ها برای اولویت‌بندی و طراحی برنامه‌های حفاظت از تنوع‌زیستی در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی کاربرد دارد. بر این اساس پایش، تولید و تجزیه و تحلیل داده‌های منابع زیستی برای فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، طراحی اقدامات مدیریتی و حفاظت از عرصه‌های زیستگاهی ضروری خواهد بود (Kangas *et al.*, 2006).

انسان‌ها همیشه برای رفع نیازهای خود به شکلی از طبیعت حفاظت می‌کرده‌اند اما دلایل این حفاظت در گذر زمان بر اساس نیازها و دانش انسان تغییر کرده و با گذشت زمان این نیازها در راستای اهداف حفاظت از محیط‌زیست تغییر یافته است (Mirkarimi & Arrowsmith, 2017). امروزه مناطق تحت حفاظت به عنوان یکی از مفیدترین اشکال بهره‌وری پایدار و چندجانبه از سرزمین شناخته می شوند. نگه‌داری از فرایندهای بوم شناختی و سامانه‌های حیات‌بخش، حفظ حوزه-های آبخیز، حفاظت تنوع ژنتیکی، حفظ تنوع زیستی، حفظ میراث طبیعی و تأمین شرایط بهره‌برداری پایدار از جمله فوایدی است که مناطق تحت حفاظت عرضه می‌کنند. بر اساس تعاریف اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت (IUCN)، یک منطقه حفاظت‌شده، فضای جغرافیائی است که از طریق قانون و یا دیگر راهکارهای اثربخش، برای رسیدن به حفاظت بلندمدت از طبیعت در ارتباط با خدمات بوم‌سازگان و ارزش‌های فرهنگی، شناسائی، اختصاص و مدیریت می شوند (Dudley, 2008).

مناطق تحت حفاظت به عنوان نمونه‌هایی از بوم‌سازگان‌های طبیعی در چارچوب راهبردهای حفاظتی و تلاش دولت‌ها برای حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه تحت مدیریت قرار می‌گیرند. با توجه به اهمیت این مناطق در جلوگیری از کاهش تنوع‌زیستی و غنای گونه‌ای هر ساله به تعداد و تنوع مناطق حفاظتی افزوده می‌شود و این افزایش به‌عنوان یکی از معیارهای توسعه حفاظت محیط‌زیست کشورها به‌شمار می‌آید. مناطق تحت حفاظت دارای کارکردهای بوم‌شناختی و اقتصادی-اجتماعی بوده و در کاهش مشکلات جوامع بشری نقش کاربردی دارند (Mirkarimi & Arrowsmith, 2017 ;

مجنونیان، ۱۳۷۹). از سال ۱۳۵۳ مدیریت مناطق تحت‌حفاظت در ایران تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست بر پایه شیوه نوین حفاظت قرار گرفته است.

از دهه ۱۳۳۰ روند کاهش تنوع زیستی و روند نزولی جمعیت گونه‌های حیات‌وحش قابل شکار در ایران شدت گرفت و جمعیت گونه‌های علف‌خوار بزرگ جثه و گونه‌های گوشت‌خوار وابسته به آن‌ها به شدت کاهش یافت. وضعیت فعلی حیات‌وحش کشور با شرایط آن در دهه‌های گذشته قابل مقایسه نیست. افزایش جمعیت انسانی، توسعه روز افزون فعالیت-های عمرانی، تخریب و تجاوز گسترده به عرصه‌های طبیعی، افزایش چشم‌گیر سلاح‌های شکاری مجاز و غیرمجاز، بروز عوامل نامطلوب طبیعی نظیر خشک‌سالی‌های متوالی، شرایط اقتصادی و عدم توجه لازم به ضرورت توسعه همه جانبه زیرساخت های علمی، اجرایی و اعتباری سازمان حفاظت محیط‌زیست متناسب با الزامات و تهدیدات موجود، تنها بخشی از عواملی هستند که موجب کاهش معنی‌دار و قابل توجه جمعیت انواع گونه‌های جانوری در کشور در طول چند دهه گذشته گردیده‌اند.

سازمان حفاظت محیط‌زیست در حال حاضر حدود ۲۶ میلیون هکتار از پهنه‌های طبیعی کشور را به عنوان عرصه‌های حفاظت‌شده تحت مدیریت خود داشته و هم‌چنین وظیفه حفاظت از حیات‌وحش در کلیه پهنه‌های طبیعی کشور را نیز عهده‌دار است. بنا بر آمارهای موجود هم اکنون حدود ۳۰۰۰ محیط‌بان در کل کشور به حفاظت از محیط‌زیست و حیات-وحش مشغول خدمت هستند، اکثر محیط‌بانان به‌صورت نوبتی (شیفتی) خدمت می‌کنند و در هر فاصله زمانی فقط بخشی از آن‌ها در شرایط خدمت هستند. به نظر می‌رسد هر محیط‌بان وظیفه حراست از ۱۰ تا ۱۵ هزار هکتار از عرصه‌های تحت حفاظت را بر عهده داشته و این عرضه برای کل زیستگاه‌های طبیعی حفاظت‌شده و غیرحفاظت‌شده بیش از ۷۰ هزار هکتار خواهد بود.

گرچه تخریب زیستگاه و شکار غیرمجاز و بی‌رویه مهم‌ترین عامل کاهش جمعیت حیات‌وحش ایران شناخته شده است ولی گسستگی و عدم اتصال بین مناطق زیستگاهی گونه‌های حیات‌وحش نیز از جمله تهدیدهای مهم زیستگاه‌ها و جمعیت حیات‌وحش به‌شمار می‌روند. اغلب عرصه‌های طبیعی در فواصل بین مناطق حفاظت‌شده هم‌چنان ارزش نسبی خود را به لحاظ زیستگاهی حیات‌وحش را حفظ کرده‌اند و چنان‌چه این‌گونه مناطق تحت حفاظت قرار گیرند، علاوه بر پر کردن فضای زیستگاهی بین مناطق چهارگانه تعهدات کشورمان به مجامع بین‌المللی نظیر کنوانسیون جهانی تنوع زیستی (CBD) را جامه عمل خواهد پوشاند.

در دهمین همایش معاهده تنوع زیستی در ناگویای ژاپن یکی از راهبردهای کلی پنج‌گانه "تسهیل و پیشبرد اجرا از طریق برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت دانش و ظرفیت‌سازی" در حوزه حفاظت از تنوع‌زیستی آورده شده است. برای این راهبرد کلی چهار هدف تعریف شده است. بر اساس این اهداف چهارگانه پیشنهاد شده است که احترام به دانش سنتی شامل ابداعات و فعالیت‌های جوامع بومی و محلی در ارتباط با حفاظت و استفاده پایدار از تنوع‌زیستی و بهره‌برداری مرسوم آن‌ها از منابع زیستی مورد توجه و احترام قرار گرفته در مقررات و قوانین ملی و مقرارت مرتبط بین‌المللی لحاظ گردد و به‌طور کامل با مشارکت موثر و تمام و کمال جوامع بومی و محلی در تمامی سطوح مرتبط در اجرای معاهده تلقی و منعکس

گردد. هم‌چنین در راستای ارتقاء سطح دانش، مشارکت و به‌کارگیری آن پیشنهاد شده است که دانش، پایه‌های علم و فنآوری‌های مرتبط با تنوع‌زیستی، ارزش‌ها، عملکرد، وضعیت و روند آن و هم‌چنین اثرات متعاقب از دست رفتن آن بهبود یافته و در سطح وسیعی به مشارکت گذاشته شده، انتقال یافته و به کار گرفته شود. در فرایند حفاظت از محیط‌زیست همواره این پرسش مطرح است که باید چه سیاستی را اتخاذ نمود و رویکرد مناسب در حل مشکلات محیط‌زیستی چیست.

استفاده از شیوه‌های سنتی در امر حفاظت از محیط‌زیست و حیات‌وحش، عدم توسعه فرهنگ محیط‌زیستی و نا آشنایی غالب جوامع بومی و محلی با مزیت‌های حفاظت از حیات‌وحش در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی و زیستی جوامع پیرامون زیستگاه‌ها، زمینه مقابله بین محیط‌بانان و متخلفین شکار و صید، بروز حوادث تلخ و آسیب دیدن تعداد قابل توجهی از ذی‌نفعان را فراهم نموده است. سازمان حفاظت محیط‌زیست جهت تحقق رسالت‌های قانونی خود و حفاظت موثر و کارآمد از تنوع‌زیستی کشور می‌بایست نگاهی جدی به استفاده از مشارکت و همراهی همه ذینفعان از جمله دست‌اندکاران کلیدی، جوامع محلی و نیز بخش خصوصی در جهت استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود در چارچوب قوانین و مقررات داشته باشد و با بازنگری و اصلاح برخی قوانین و ضوابط، زمینه این همکاری و همیاری را بیش از پیش ممکن و میسر سازد.

۲- رویکردهای حفاظت

سه رویکرد مختلف در نظریه عمومی‌سازی حفاظت وجود دارد (مشهدی، ۱۳۹۵):

اول: مبتنی بر نقش اساسی دولت در حفاظت از محیط‌زیست (رویکرد دولت محور) است. بر این اساس، اجرای بسیاری از سیاست‌ها و قوانین و مقررات مربوط به تضمین این حق در انحصار دولت است و از آن‌جا که امر حفاظت از محیط‌زیست دارای جنبه‌های عمومی و حاکمیتی است، نقش نهادها و سازمان‌های اجرایی نیز مهم است. نحوه اجرای سیاست‌های عمومی به عنوان تکلیف شهروندان و دولت ارتباط مستقیمی با تلقی دولت‌ها و شهروندان از این تکلیف عمومی دارد.

دوم: مبتنی بر بدبینی به نهاد دولت بر امر حفاظت از محیط‌زیست استوار است. در این رویکرد دولت‌ها نه تنها حافظان خوبی نیستند، بلکه حضور و نقش‌دهی به دولت‌ها در این زمینه به معنای تخریب و نابودی محیط‌زیست خواهد بود. در این رویکرد از دولت‌ها خواسته می‌شود که در امر حفاظت از محیط‌زیست مداخله‌ای ننمایند و آن را به سایر بازیگران واگذار نماید (رویکرد بدون دولت) و تنها قائل به نقش نظارتی و حداقلی برای دولت است.

سوم: مبتنی بر رویکرد مشارکتی در برنامه‌های حفاظتی است. در این رویکرد ضمن تعدیل دو نگاه قبلی، از مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی صحبت می‌شود و وظیفه عمومی حفاظت به همکاری دولت و شهروندان در حفاظت از محیط‌زیست تعبیر می‌گردد. رویکرد سوم یا رویکرد مشارکتی نظریه میانه‌ای است که به تعیین نقش هر یک از بازیگران دولتی و غیردولتی می‌پردازد، بدون اینکه بخواهد به نفی هر یک منجر گردد. هر چند در مشارکت نقش گروه‌های غیردولتی و جامعه مدنی در حفظ محیط‌زیست قوی است، ولی این امر به معنای نفی نقش دولت نیست.

در رویکرد مشارکتی سعی می‌شود خلاء همکاری و مشارکت سایر بازیگران در حفاظت از محیط‌زیست جبران گردد. در این نگاه، اجرای سیاست‌های محیط‌زیستی وضعیتی دوگانه دارد. یعنی از طرفی نیازمند نقش فعال دولت است و از طرف دیگر ضرورت دارد تا گروه‌های جامعه مدنی نیز بتوانند در این زمینه فعالیت نمایند. به همین سبب گفته شده است که مشارکت همه افراد، اصلی‌ترین مسأله در حل مسائل محیط‌زیستی است. از میان رویکردهای سه گانه، رویکرد نخست سنتی و رویکرد دوم غیرواقع‌گرایانه ولی تا حدودی مؤثر است و در نهایت اقبال عمومی‌سازی حفاظت از محیط‌زیست و اجرای سیاست‌های محیط‌زیستی به سمت رویکرد مشارکت سیر نموده است. امروزه سازمان‌های اداری حافظ محیط‌زیست و قانون‌گذاران دریافته‌اند که تضمین حمایت از محیط‌زیست منوط به کنار نهادن سیاست‌های منفعت طلبانه، یکسو انگارانه (اقتصادی)، غیرمشارکتی و مبتنی بر کنترل است. هرچند رویکرد فرمان و کنترل تا حدودی بر سیاست‌های حفاظتی سایه افکنده است، ولی در سالیان اخیر قوانین و مقررات به سوی تعدیل متمایل شده است.

در حفاظت مشارکتی مردم و دولت با همراهی و در کنار یکدیگر با اعتماد متقابل در حفاظت از تنوع‌زیستی مشارکت می‌کنند. برگرداندن حس تعلق به مردم و ایجاد حس مالکیت، آن‌ها عرصه‌های طبیعی و حیات‌وحش را از آن خود دانسته و از آن‌ها حفاظت کنند. حفاظت مشارکتی دارای سه ضلع مردم، دولت و تسهیل‌گران هستند. فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی، مؤثرترین و فراگیرترین شیوه برنامه‌ریزی برای حفاظت مشارکتی از تنوع‌زیستی است. در این حالت در بین اعضای ذی‌نفع احساس دل‌بستگی و تعلق خاطر ایجاد شده و باعث جلب حمایت آن‌ها در اجرای برنامه می‌شود. برنامه‌های مشارکتی اغلب زمان‌بر هستند و موفقیت آن‌ها مستلزم دقت و توجه و هم‌چنین تعهد ذی‌نفعان و مراقبت و ممارست مداوم مشارکت‌کنندگان است (Clement *et al.*, 2020).

در دهه‌های اخیر، مدل‌های به اصطلاح از بالا به پایین (Top–down Models) به دلیل عدم در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی در حفاظت از تنوع‌زیستی مورد انتقاد گسترده‌ای قرار گرفته‌اند، زیرا نقش و جایگاه مردم بومی و جوامع محلی در سرزمین‌های آن‌ها نادیده گرفته شده و یا فعالیت‌های شغلی آن‌ها با محدودیت‌هایی مواجه شده است. قوانین محیط‌زیستی بسیاری از کشورها در خارج از مناطق حفاظت‌شده نیز بر شیوه‌های زندگی مردم محلی تأثیر گذاشته است. هم‌چنین تغییرات در چارچوب‌های فکری - سیاسی طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و با پایان یافتن حکومت‌های استبدادی، تحکیم مردم‌سالاری و افزایش نگرانی‌های محیط‌زیستی در کشورهای در حال توسعه، منجر به تغییرات ساختاری بسیاری در نظریه‌ها و شیوه‌های مربوط به حفاظت از تنوع‌زیستی از انحصاری (exclusive) تا فراگیر (inclusive) و از بالا به پایین به پایین به بالا (Bottom–up) شده است (Khadka and Nepal 2010). امروزه رویکردهایی با مفهوم "از پایین به بالا" و "اجتماع محور" در اولویت قرار گرفته و در کشورهای مختلف پیشنهاد و اجرا شده‌اند. برخی آن‌ها به شرح ذیل آورده شده است:

مدیریت اجتماع محور	Community-based management (CBM)
حفاظت اجتماع محور	Community-based conservation (CBC)
حفاظت از محیط زیست اجتماع محور	Community-based environmental protection (CBEP)

سازمان‌های برنامه‌ریزی محیط‌زیستی اجتماع محور	Community-based environmental planning organizations (CBEPO)
مدیریت منابع طبیعی اجتماع محور	Community-based natural resource management (CBNRM)
برنامه‌های یکپارچه حفاظت و توسعه	Integrated conservation and development programs (ICD)
مدیریت منابع عمومی (مشترک)	Common pool resources (CPRs) management,
مدیریت تطبیقی، حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی	Adaptive (co-) management, participatory biodiversity conservation
حفاظت زیست-فرهنگی	Biocultural conservation.

گرچه این رویکردها ریشه‌های نظری متفاوتی دارند، اما همگی بر اساس اصل "مشارکت" بنا شده‌اند (Sullivan, 2019). توجه به این نکته مهم است که متولیان مختلف با نیت‌های متفاوت و هم‌سویی‌های سیاسی (مشارکت مردمی وسیله تلقی می‌شود یا هدف) اشکال مختلف مدیریت مشارکتی را توصیه کرده‌اند. غالباً فضای بحث دارای دستور کار و محدودیت‌های از پیش تعیین شده برای مشارکت هستند (Turreira-García et al., 2018). یکی از چالش‌های حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی ایجاد سازوکاری است که مشارکت عمومی را تقویت کند، زیرا مشارکت واقعی با امکان فرصت‌هایی که به مردم داده می‌شود محک زده می‌شود. به نظر می‌رسد که هیچ تعریف گسترده پذیرفته شده‌ای از "حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی" وجود ندارد، زیرا این اصطلاح به همراه یا به عنوان مترادف رویکردهای ذکر شده استفاده شده است. علاوه بر مشارکت موثر جوامع و نهادهای آن‌ها در کنترل و مدیریت منابع طبیعی، سازش با اهداف حفاظت از تنوع‌زیستی با تمایل به منتفع شدن از مزایای اقتصادی برای جوامع محلی مورد توجه است. حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی، گفتگوها را در میان همه عوامل دخیل و هم‌چنین عدالت زیست محیطی و پایداری را ترویج نموده و تنوع فرهنگی را هم در نظر می‌گیرد (Clement et al., 2020).

۳- تاریخچه حفاظت مشارکتی از تنوع‌زیستی

حفاظت‌کنندگان محیط‌زیست همیشه به دنبال روش‌های مشخصی بوده‌اند که بتوانند نیازها و علایق مردم محلی را تأمین کنند. در سال ۱۹۷۵، IUCN قطعنامه‌ای را برای "حفظ و ترغیب روش‌های سنتی زندگی" و "تدبیر چاره‌ای که بومیان می‌توانند زمین‌های خود را به مناطق حفاظت‌کننده تبدیل کنند، بدون این‌که مالکیت، استفاده یا حقوق تصدی را از خود سلب کنند" تصویب کرد. در سال ۱۹۸۲، IUCN قطعنامه دیگری را تصویب کرد که حقوق جوامع سنتی را برای "تعیین سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی خود" و "مشارکت در تصمیماتی بر زمین و منابع طبیعی" را تأیید می‌کند. تجربیات زیادی در مورد مدیریت تعارض، ذخایر زیست کره، مناطق بینابینی (Buffer Zone)، توسعه بوم‌شناسانه و تسهیم مزایای حاصله انجام گرفته است. هدف این بوده که اطمینان حاصل شود که جوامع محلی دارای سهم اقتصادی و سیاسی در مدیریت معین شده هستند. مرور مطالعات انجام شده توسط IUCN نتایج نشان داد که اکثر این پروژه‌های "مشارکتی" که توسط افراد خارج از جامعه آغاز و هدایت شده‌اند، مدت کوتاهی داشته و بر فناوری‌های بلندپروازانه اما آزمایش نشده

متمرکز شده‌اند تا مزایای اقتصادی بیشتری را برای مردم محلی تأمین کنند. این پروژه‌های توسعه بوم‌شناسانه، صرف نظر از ویژگی مشارکتی بودن آن‌ها، "غالباً اهدافی را دنبال می‌کردند که با انتظارات افرادی که می‌خواستند به آن‌ها کمک کنند ناسازگار بوده است". این پروژه‌ها توجه بسیار کمی به محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی، هم از سمت جوامع محلی و هم از طرف سازمان‌های حفاظتی داشته‌اند. در مرور دیگری که برای بانک جهانی انجام شد، از بررسی ۲۳ منطقه حفاظت‌شده نشان داد که تلاش برای مشارکت دادن مردم محلی در روند تغییر و توسعه به‌صورت عمده شعارگونه بوده و بیشتر با مردم محلی به عنوان "منتفع منفعل" برخورد می‌شود .

مطالعات نشان داد که اقدامات موفقیت‌آمیز حفاظت مستلزم به رسمیت شناختن حقوق افراد محلی، مشارکت آن‌ها از ابتدا در برنامه‌ریزی، به رسمیت شناختن نهادهای بومی-محلی، تکامل سازوکارهایی برای اطمینان از مشارکت افراد، ایجاد تعهدات متقابل و آموزش برای حساس کردن افراد درگیر است. در گذشته هیچ یک از طبقه‌بندی‌های مناطق حفاظت‌شده موجود توسط IUCN چنین اصولی را در برنمی‌گرفت و از این رو به طبقه‌بندی جدیدی نیاز بوده است. به‌علاوه، تعداد معدودی از کشورها قانون ملی داشتند که اعمال چنین حقوقی را در مناطق حفاظت‌شده مجاز می‌دانست. در صورت اثرگذاری این اصول جدید در مدیریت مناطق حفاظت‌شده، در همه سطوح نیاز به تغییراتی خواهد بود. در واکنش به ابراز نگرانی سازمان‌های مردم بومی در مورد تحمیل حفاظت، صندوق جهانی طبیعت (WWFI) سیاست جدیدی را درباره مردم محلی تهیه کرده است. طبق پیش‌نویس این سیاست، WWFI به دنبال "مشارکت" با مردم بومی خواهد بود جایی که آن‌ها تعهد خود را برای حفظ تنوع زیست‌شناختی ابراز کنند و نیاز به محدود کردن فعالیت‌های انسانی برای دستیابی به استفاده پایدار را بپذیرند. معضل عملی باقی‌مانده این است که چگونه می‌توان فعالیت‌ها را محدود کرد به‌طوری‌که آن‌ها چنین محدودیت‌هایی را رعایت کنند (در عین حال مردم محلی را بتوانند نیازهای معیشتی خود را تأمین کنند)، چرا که مدیریت مؤثر به اجرای مقررات مورد توافق نیاز دارد. بنابراین، یافتن ابزاری که نهادهای مردم بومی بتوانند با آن موافقت کرده و یا آن‌ها را برای خود بکار ببرند و رژیم‌های مؤثر مدیریت مردم را حفظ کنند. چالش بسیار مهمی است. بسیاری از مردم بومی موافق چنین محدودیت‌هایی هستند و مشاهده می‌کنند که با تغییر اقتصاد آن‌ها تحت تأثیر عوامل خارجی و داخلی، آن‌ها نیاز به نهادها و مقررات جدیدی در مورد استفاده از منابع، تقسیم سود و تخصیص حقوق دارند. بوم‌شناسان، دانشمندان علوم اجتماعی، معلمان آموزشی، حقوق‌دانان و مشاوران توسعه ممکن است دانش لازم را برای کمک به جوامع بومی داشته باشند (Colchester, 1996).

IUCN در سال ۲۰۱۷ در مورد برنامه‌ریزی وضعیت‌های محتمل مشارکتی Participatory scenario planning (PSP) که در اسپانیا انجام شده است خبری منتشر کرد. در این تحقیق به این پرسش که چگونه می‌توان یک منطقه حفاظت‌شده بزرگ را با وجود کاهش منابع مالی و چالش‌های جدید ناشی از چندین عامل محرک، مدیریت کنیم پاسخ داده شد. رویکرد برنامه‌ریزی وضعیت‌های محتمل مشارکتی (PSP) به منظور درک اثرات محتمل محرک‌ها مانند تغییر آب و هوا، تغییر کاربری اراضی و توسعه شهری اتخاذ شد. بیش از ۸۰ ذی‌نفع در این فرآیند شرکت کردند که شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، نظرسنجی‌ها و یک کارگاه آموزشی دو روزه بود. ذی‌نفعان شامل متخصصین دفاتر منطقه حفاظت‌شده، محققان، اعضای سازمان‌های غیردولتی، کارآفرینان و مشاوران محیط‌زیست، کشاورزان و سازمان‌های

مصرف‌کننده و غیره بودند. آینده‌نگری مشارکتی امکان شناسایی اقدامات برای دستیابی به آینده مطلوب مشترک، درک گسترده‌تر از حفاظت، افزایش مشارکت در اداره مناطق حفاظت‌شده، تأیید خدمات بوم‌سازگانی، تطبیق برنامه‌های مدیریتی و اعلام فعالیت‌های پایدار که باعث حفاظت از مناظر، زیستگاه‌ها و گونه‌ها می‌شود را فراهم می‌نماید. از نظر پاسخ‌دهندگان مناطق حفاظت‌شده و حفاظت از تنوع‌زیستی در آینده باید نمونه‌هایی از حکمرانی برد-برد برای طبیعت و انسان باشد. PSP ابزاری است که به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته و امکان ایجاد درک مشترک از چگونگی موضوع در آینده و روند دستیابی به آن را فراهم می‌کند (Palomo, 2017).

برنامه‌ریزی وضعیت‌های محتمل مشارکتی (PSP) ابزاری است که به‌طور فزاینده‌ای در تحقیقات محیط‌زیستی به منظور ارزیابی انتخاب‌های متفاوت در آینده برای سیستم‌های بوم‌شناختی- اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. مرور ۲۳ مطالعه در خصوص PSP در نقاط مختلف دنیا در بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۴ در ۱۷ کشور مختلف و شش قاره از جمله آمریکای لاتین (هفت مورد) و اروپا (شش مورد)، آمریکای شمالی (سه مورد)، استرالیا (سه مورد) و آفریقا و آسیا (دو مورد) نشان می‌دهد که PSP تقریباً همیشه تابع مسیری است که مشارکت فعال ذی‌نفعان را در تحقیقات بوم‌شناختی- اجتماعی مکان-محور را ترویج می‌کند. مشارکت ذی‌نفعان در این نوع تحقیق سودمند است زیرا در بهبود تساوی حقوق، وجاهت قانونی و کیفیت تصمیم‌گیری زیست‌محیطی نقش دارد. مشارکت ذی‌نفعان در فرایند تحقیق از طریق PSP مکان محور، دیدگاه-های مختلفی را در مورد آیده‌های بوم‌شناختی- اجتماعی فراهم می‌کند که می‌تواند عدم تقارن قدرت را کاهش داده و راهبردهای نوآورانه و فرصت‌های همکاری بین چندین ذی‌نفع را شناسایی نماید (Quinlan *et al.*, 2015).

بسیاری از این مطالعات نشان می‌دهد که چگونه فرآیندهای برنامه‌ریزی در افزایش گفتگوها، حل تعارضات، تولید خروجی‌ها و افزایش آموزش‌های دسته‌جمعی بین ذی‌نفعان، محققان و سیاست‌گذاران در برنامه‌ریزی مدیریت منابع طبیعی موفق می‌گردد. فرآیندهای برنامه‌ریزی وضعیت‌های محتمل باعث افزایش آگاهی ذی‌نفعان از وجود عوامل محرکه محلی و جهانی برای تغییر و تهدیدها و نیاز به برنامه‌ریزی طولانی‌مدت برای مقابله با چنین تغییراتی می‌شود و با امکان دادن به بحث و گفتگو و ایجاد درک مشترک، می‌تواند بسیج ذی‌نفعان را برای پاسخگویی به تهدیدها یا فرصت‌های تازه‌ای که شناسایی شده، تسهیل کند. هم‌چنین ممکن است مشارکت‌های جدیدی بین عاملان ایجاد یا تقویت شود و راهبران جدیدی برای رسیدگی به موضوعات جدید و مورد توجه پدید آیند. برنامه‌ریزی وضعیت‌های محتمل با پل زدن بین چندین سیستم دانشی، می‌تواند دانش جدیدی را برای تصمیم‌گیری محیط‌زیستی تولید کند و می‌تواند توانایی تصمیم‌گیری در برخورد با مسائل پیچیده را افزایش دهد. بررسی‌ها نشان داد دو روش غالب استفاده شده برای تولید دانش جدید، کاوش در موازنه‌های پیچیده اجتماعی – محیط‌زیستی و دوم ایجاد راه حل‌های جدید بوده است.

انجام وضعیت‌های مشارکتی اجتماعی- اکولوژیکی چالش برانگیز، وقت‌گیر و نیازمند تلفیق انواع دانش است. موفقیت فرآیندهای PSP را می‌توان با شناخت چالش‌های مرتبط با آن‌ها و برنامه‌ریزی متناسب با آن افزایش داد. در نتیجه، فرایندهای PSP باید برای تکرارهای متعددی طراحی شوند که تمرکز را حفظ نموده، اما از روش‌ها و دیدگاه‌های متعددی برای انتخاب و بازتاب تعاریف افراد از سیستم و نظریه‌های تغییر استفاده می‌کنند. یکی از راه‌های افزایش کارایی و ارتباط

با سیاست‌گذاری این فرآیند، پایه‌ریزی آن بر اساس چشم‌اندازهای آینده است. این عرصه نوظهور است و کنش‌گران متنوعی را به یکدیگر متصل می‌کند. ایجاد چنین کارگروهی باید دسترسی به ابزارها، ایده‌ها و افراد را فراهم کرده و روش‌ها و نتایج خود را در دسترس قرار دهند. PSP با هدف ایجاد یک فضای مشترک برای گفتگوهای سازنده در مورد توسعه آینده یک زیستگاه انجام می‌شود. بدین صورت‌که گزینه‌های مختلفی برای توسعه منطقه تعریف شده و به‌طور سیستماتیک امکانات و هم‌چنین نتایج بالقوه مسیرهای مختلف توسعه بررسی می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت PSP بسیار گسترده، زمان‌بر و نیاز به اطلاعات پایه و علمی وسیع و با به‌کارگیری مجموعه‌ای از دانش‌ها است و این دستورالعمل در زمان توسعه انسانی در زیستگاه می‌تواند مورد توجه قرار گرفته و در واقع بخشی از فرایند برنامه‌ریزی وضعیت‌های محتمل مشارکتی است.

حکمرانی مناطق تحت حفاظت بر ساختارها، فرایندها و سنت‌هایی تأکید دارد که تعیین‌کننده نحوه توزیع قدرت و مسؤولیت‌ها و مشارکت ذی‌نفعان باشد (Graham *et al.*, 2003). حکمرانی ابزاری برای تعیین جهت، کنترل و ایجاد هماهنگی با هدف مدیریت مؤثر است (Eagles, 2008). IUCN در سال ۲۰۱۳ میلادی اقدام به انتشار مجموعه‌ای با عنوان "حکمرانی در مناطق حفاظت‌شده: از اندیشه تا عمل" (Governance of Protected Areas: From understanding to action) نمود و اعلام کرد که بسیاری از مناطق حفاظت‌شده در دنیا شیوه حکمرانی مؤثری که قادر به مواجهه با چالش‌ها باشند را نداشته و تنها راه نجات این مناطق، ارتقاء سیستم حکمرانی موجود است. حکمرانی‌های موجود شامل چهار نوع ساختار سازمانی دولتی، ذی‌نفعان، خصوصی و حکمرانی جوامع سنتی را برای مناطق حفاظت‌شده بوده‌است (Graham *et al.*, 2003).

IUCN و معاهده تنوع زیستی نیز چهار شیوه حکمرانی مناطق تحت حفاظت را با توجه به این‌که چه کسی/کسانی مسؤولیت و قدرت دارند، مطرح کرده است که شامل حکمرانی دولتی، مشارکتی، بخش خصوصی و افراد بومی و جوامع محلی هستند. انتخاب و بکارگیری یک شیوه حکمرانی موثر با در نظرگرفتن ویژگی‌های بوم‌شناختی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای هر منطقه توصیه شده است (Eagles, 2009). تفکیک شیوه‌های گوناگون حکمرانی از یکدیگر سخت بوده و اغلب مناطق حفاظت‌شده ترکیبی از شیوه‌های حکمرانی را برمی‌گزینند. در برخی کشورها اساس حکمرانی مشارکت دولت با دیگر بخش‌های خصوصی، جوامع بومی، سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های مختلف است (Dudley, 2008). این نوع همکاری را می‌توان فعالیت بخش خصوصی در اراضی دولتی نام‌گذاری کرد (Buckley & Sommer, 2015). نتایج مطالعات نشان می‌دهد جایگزینی حکمرانی تک نهادی با حکمرانی بخش خصوصی-جامعه محلی از اثربخشی بیشتری برخوردار است (Elliott & Sumba, 2011).

مراکز تکثیر، پرورش و شکارگاه‌های خصوصی در جهت حفاظت و حمایت از گونه‌های وحشی و جلوگیری از شکار حیات‌وحش و رفع نیازهای روحی و روانی و نیازهای اقتصادی اجرا و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. امروزه ایده شکل‌گیری قرق‌های حیات‌وحش با زمامداری بخش مردمی در دنیا شتاب گرفته است و کشورهای مختلف با فراهم آوردن شرایط لازم، فشار ناشی از شکار غیرمجاز را از روی پارک‌های ملی و دیگر مناطق حفاظت‌شده کاسته‌اند. در حال

حاضر بیشترین مناطق تحت مدیریت خصوصی در جنوب و غرب آفریقا در زیستگاه‌های مطلوب حیات‌وحش و با مدیریت هدفمند قرار گرفته‌اند. میزان موفقیت مناطق تحت حفاظت به شیوه و کیفیت حکمرانی، دستیابی به اهداف حفاظتی، ارتقاء اقتصاد و رفاه اجتماعی بستگی دارد (Balloffet & Martin, 2007; Dearden *et al.*, 2005).

در کتاب Participatory biodiversity conservation (Baldauf (ed.), 2020) به بررسی مفاهیم، تجربه‌ها و چشم‌اندازی از حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی پرداخته است. در این کتاب مثال‌های از برنامه‌های مشارکتی به طور خاص در جنگل‌ها، سواحل و زیستگاه‌های طبیعی قاره آمریکا با تمرکز بر کشورهای برزیل و مکزیک آورده شده است. در یک تجربه مشارکتی، چالش‌های معیشت روستایی، کشاورزی مشارکتی، و حفاظت از تنوع زیستی در یک ذخیره‌گاه زیست‌کره در مکزیک مورد مطالعه قرار گرفته است. دراین شیوه مشارکتی از جنگل‌ورزی یا دارکشت‌ورزی (Agroforestry) بهره‌گیری شده است. دارکشت‌ورزی عبارت از تلفیق استفاده از درختان، درختچه‌ها، محصولات زراعی و دام‌ها است. در این تجربه در منطقه‌ای که از سال ۱۹۹۵ حفاظت شده اعلام گردید، نسبت به ایجاد گروه‌های بومی روستایی (RDGs) Rural Groups Domestic اقدام شد. برگزاری دوره‌های آموزشی و نشست‌های هم‌اندیشی با RDGs به‌جای گروه‌های متشکل از یک گروه خاص (مانند مردان، زنان و جوانان) موجب تقویت گفتگو بین اعضاء در طول کارگاه‌ها شده بود. افراد در کارگاه‌ها درباره ارزش‌ها، امیدها، روش‌ها و فعالیت‌های خود بحث کردند که همگی ناشی از روابط بین خود و سایر بازیگران بود. گفتگوی پایدار بین گروه‌های بومی روستایی برای توانمندسازی و ایجاد بهبودهای اساسی در شرایط اجتماعی خود به عنوان کشاورز و یک جمعیت روستایی توصیه شد (García-Barrios *et al.*, 2020).

در مطالعه‌ای دیگر کشت دریایی ماکرو جلبک به عنوان یک جایگزین اجتماعی و زیست محیطی برای جوامع سنتی ساحلی منطقه نیمه خشک شمال شرقی برزیل بررسی شد (de Souza Maia *et al.*, 2020). کاهش ذخایر دریایی و کم شدن بازده صنعت ماهیگیری در جوامع بومی برزیل همراه با احساس رها شدگی و بروز فقر موجب فشار مضاعف بر تنوع زیستی و منابع طبیعی گردید. با توجه به وضعیت جوامع ماهیگیری، اجرای کشت دریایی ماکرو جلبک به عنوان یارانه عملی برای توسعه کشت‌های خانوادگی در اولویت قرار گرفت. برنامه‌های توانبخشی برای جوامع فقیر ساحلی به گزینه‌ای برای فقرزدایی ماهیگیران تبدیل گردید و در عین حال به احیای منابع طبیعی کمک زیادی می‌نماید.

به منظور افزایش مشارکت مردم و حفاظت از طبیعت از رویه و روش مشارکتی در برنامه ریزی و مدیریت مناطق حفاظت شده طبیعی پیشنهاد شده است (Bermejo *et al.*, 2020). در این مطالعه تعاریف و مفاهیم دانش بومی-محلی و نحوه مشارکت عمومی با توجه به الزامات و تعاملات رویکردهای مختلف شامل عناصر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناختی بررسی شده و منابع سوگیری (گاهی ناخودآگاه یا ناشناخته) را معرفی می کند. این رویکردها اجرای مشارکت در برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق حفاظت شده را راهنمایی و توضیح می‌دهد. در این مطالعه نتایج اجرای مفاهیم مختلف مشارکت در چندین پروژه توسعه در مناطق حفاظت شده به تصویر کشیده شده است. برنامه‌ریزی و اجرا مشارکتی نتیجه ارتباط بین ایده‌ها و تأثیر عوامل داخلی و بیرونی است.

٤- جایگاه رویکرد حفاظت مشارکتی در قوانین و مقررات ایران

در نظام‌های حقوقی الگوی مطلوب به سمت تبلور الگوهای مشارکتی و همکاری گرایانه در بین بازیگران دولتی و غیردولتی در حرکت بوده است. در ایران حفاظت عمومی از محیط‌زیست در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آورده شده است. بر اساس این اصل "حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است". در اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط-زیست به‌صورت مشارکتی بر عهده همگان بوده و جایگاه قانونی یافته است. تقویت چنین رویکردی به‌صورت مشخص با اصلاح قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آشکار گردید. به موجب بند ع الحاقی به ماده ۶۸ این قانون در سال ۱۳۸۲ یکی از مهم‌ترین وظایف شوراهای اسلامی شهر و روستا نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی ذکر گردید. به موجب این اصلاحیه "از ماده ۶۸ قانون حذف و بندهای زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود: نظارت بر حسن اجرای مقررات مربوط به حفاظت و به‌سازی محیط زیست روستا و بهره‌برداری از منابع طبیعی و جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ عمران، مزارع، باغ‌ها، مراتع، جنگل‌ها، محدوده‌های محیط‌زیستی، احیا و لایروبی قنوات و نهرهای متروکه و ارائه طرح و پیشنهاد در این زمینه‌ها به شورای بخش واگذار می‌گردد".

از دیگر زمینه‌های مشارکت عموم مردم در حفظ محیط‌زیست به مثابه امر عمومی می‌توان به نقش اصل ۸ قانون اساسی اشاره نمود. در این راستا در طرح امر به معروف و نهی از منکر که در مورخ ۸۹/۳/۲ یک فوریت آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید یکی از مصادیق و موارد امر به معروف و نهی از منکر به موجب بند ۲ ماده ۱۱ این طرح حفظ محیط‌زیست ذکر گردیده است.

بر اساس سیاست‌های کلی محیط‌زیست (ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۸/۲۶)، مدیریت جامع، هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی (از قبیل هوا، آب، خاک و تنوع‌زیستی) مبتنی بر توان و پایداری زیست‌بوم به‌ویژه با افزایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حقوقی و ساختاری مناسب همراه با رویکرد مشارکت مردمی و هم‌چنین ارتقاء مطالعات و تحقیقات علمی و بهره‌مندی از فنآوری‌های نوآورانه زیست‌محیطی و تجارب سازنده بومی در زمینه حفظ تعادل زیست‌بوم‌ها و پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط‌زیست مورد تاکید قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر اهمیت مشارکت همگان در حفاظت از تنوع‌زیستی کشور از جمله در آیین‌نامه حقوق و تکالیف دارندگان پروانه قرق‌های اختصاصی مورخ ۹۵/۱۰/۲۸ و آیین نامه اجرایی شرایط دسترسی و نحوه بهره‌برداری ژنتیکی موضوع ماده (۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی کشور (۱۴۰۰/۱۴/۱۲) مورد توجه بیشتر قرار گرفته است.

در ماده ۳۸ قانون برنامه توسعه ششم محیط‌زیست و منابع طبیعی بر اهمیت حفاظت مشارکتی تاکید شده است. بر اساس این برنامه، اجرای برنامه عمل حفاظت، احیاء، مدیریت و بهره‌برداری مناسب از تالاب‌های کشور با مشارکت سایر دستگاه-های اجرائی و جوامع محلی به‌ویژه در ارتباط با تالاب‌های ثبت‌شده در کنوانسیون رامسر به‌طوری که تا پایان اجرای قانون برنامه، حداقل بیست درصد تالاب‌های بحرانی و در معرض تهدید کشور احیاء شوند و ضمن حفاظت و تثبیت، در روند

بهبود قرار گیرند. هم‌چنین ارتقای پوشش صددرصد حفاظت از جنگل‌ها، مراتع و اراضی ملی و دولتی و مناطق چهارگانه زیست‌محیطی و ارتقای ضریب حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور به‌منظور پایداری جنگل‌ها و هم‌چنین تعادل‌بخشی دام و مراتع سالانه حداقل ده درصد با مشارکت جوامع محلی پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، تهیه، تدوین و اجرای برنامه عمل حفاظت و مدیریت از مناطق چهارگانه محیط‌زیست و گونه‌های در معرض تهدید و خطر انقراض حیات‌وحش کشور با رویکرد بهره‌گیری از ظرفیت‌های داوطلبانه و مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی با اولویت جوامع محلی و سازمان‌های مردم نهاد توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست بوده است.

در زمان تدوین برنامه هفتم بند "مشارکت‌های مردمی در مسیر حفظ محیط زیست" توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست پیشنهاد شد ولی این پیشنهاد در پیش‌نویس لایحه برنامه نیامد و علیرغم تلاش‌های انجام شده در نهایت این بند در قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار نگرفت. در نهایت هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۴۰۳/۴/۲۰ "آیین‌نامه مشارکت در حفظ محیط‌زیست طبیعی و رونق کسب و کار محیط‌زیستی" را تصویب و طی شماره ۶۸۹۷۱/ت۶۱۲۴۳هـ در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ ابلاغ نمود. در این آیین‌نامه به سازمان حفاظت محیط‌زیست اجازه داده شد که در نگهداری و اداره موزه‌های تاریخ طبیعی و آثار طبیعی ملی، اجرای برنامه های حفاظت حیات وحش در ازای بهره برداری پایدار و خردمندانه، استفاده از ظرفیت مراکز تکثیر در شرایط نیمه‌اسارت به منظور احیا و بازسازی جمعیت‌های حیات‌وحش در طبیعت، استفاده از حیات وحش و نمادهای ترویجی در تبلیغات انواع محصولات، انجام پایش های محیط زیستی، مدیریت (نگهداری) فضاهای آزمایشگاهی و مستثنیات تملک‌شده، اجرای طرح‌های شناسنامه دار کردن جانوران وحشی زنده در اسارت و نمونه های آکنده سازی‌شده، آموزش شکارچیان، حفاظت، احیا و بهره‌برداری پایدار و خردمندانه از گونه‌های گیاهی بومی (اندمیک) و در معرض تهدید در مناطق تحت مدیریت، حفاظت و نگهداری از جانوران وحشی در عرصه های خارج از مناطق تحت مدیریت سازمان از اشخاص حقیقی یا حقوقی در قالب قراردادهای مشارکتی استفاده نماید. در ماده ۱۱ این آیین‌نامه نیز کسب و کارهای محیط‌زیستی یا مشارکت در حفاظت محیط‌زیست طبیعی موضوع این آیین‌نامه، در زمره فعالیت‌هایی قرار می‌گیرند که مشمول دریافت تسهیلات و مشوق‌های توسعه اشتغال و کسب و کار بوده و وزارتخانه های جهادکشاورزی، امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سایر مراجع مربوط می‌توانند برای اعطای تسهیلات نسبت به معرفی به بانک عامل اقدام نمایند.

لازم است از نقش برجسته سازمان‌های مردم‌نهاد و توسعه آن‌ها در سالیان اخیر در زمینه حفاظت مشارکتی یاد نمود. یافته‌ها نشان می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد تاکنون توان کمی در دستیابی به مشارکت مردمی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست داشته‌اند و این خود به دلیل وجود مشکلات متعدد و اساسی است که با آن مواجه هستند. این سازمان‌ها به علت موانع سیاسی، قانونی و حقوقی به سختی امکان پیدایش و فعالیت داشته و تعداد اندکی هم که توانسته‌اند ایجاد شوند و خود را وارد صحنه کنند به‌واسطه همین مشکل و هم‌چنین مشکلات اقتصادی و اجتماعی نتوانسته‌اند در زمینه محیط-زیست چندان تأثیرگذار باشند. برخی پژوهش‌گران بر این باورند که در ایران نیاز به تشکل‌ها و ساختارهای سازمان‌یافته مردمی به عنوان مکمل برنامه‌های وسیع و گسترده دولت در امر حفاظت از محیط‌زیست به شدت احساس می‌شود تا با اتکا

به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی حاکم بر جامعه و به دور از قوانین دست و پاگیر اداری بتواند انگیزه‌های والای حفاظت را در جامعه روستائیان، زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، دانش‌آموختگان منابع طبیعی دانشگاه‌ها و سایر اقشار تقویت نموده و مشارکت آنان را به این امر خطیر جلب نماید. با این‌حال به نظر می‌رسد در حقوق ایران در اجرای سازوکارهای مشارکت بازیگران غیردولتی با موانع ساختاری و سازمانی متعددی مواجه هستیم (مشهدی، ۱۳۹۵).

۵- اهمیت رویکرد مشارکتی در برنامه‌ریزی حفاظتی

برنامه‌ریزی مشارکتی با هدف ایجاد یک فضای مشترک برای گفتگوهای سازنده در مورد آینده یک زیستگاه انجام می‌شود. از طریق این فرایند درک مشترکی در مورد گزینه‌های مختلف توسعه برای منطقه ایجاد شده و به‌طور سیستماتیک امکانات و هم‌چنین نتایج بالقوه مسیرهای مختلف توسعه بررسی می‌گردد. ایجاد سناریوها به افرادی که عقاید ناهمگن دارند اجازه می‌دهد تا دنیا را از دید کسانی‌که دیدگاه‌های دیگری دارند را نیز ببینند. آن‌ها به مردم محلی اجازه می‌دهند نه تنها در مورد سناریوهایی که آن‌ها قبول می‌کنند، بلکه در مورد مواردی که آن‌ها رد می‌کنند نیز فکر کنند. این فرایند ممکن است به تغییر درک و قصدها کمک نموده و با ایجاد همدلی و اعتمادسازی می‌توانند با تغییراتی در اقدامات فردی و جمعی آینده بهتری را شکل دهند. برنامه‌ریزی وضعیت‌های محتمل زمانی می‌تواند مفید باشد که افراد و سازمان‌های مختلف وضعیت موجود را غیرقابل قبول، بی‌ثبات یا ناپایدار (اکنون یا در آینده) ببینند، اما در مورد این‌که آینده باید چگونه باشد با هم توافق ندارند. سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده‌تر بسیار پیچیده است، گروه‌های علاقه‌مند (ذی‌نفع) زیادی دارد و درک و چهارچوب آن برای یک گروه یا فرد بسیار غیرقابل پیش‌بینی است. در این وضعیت، گروه‌های فردی نمی‌توانند به تنهایی یا فقط با همکاری با متحدان یا افراد هم‌فکر اوضاع را تغییر دهند (Pressey and Álvarez-Romero, 2018).

٦- مزایای برنامه‌ریزی مشارکتی حفاظت

- مشارکت نوعی احساس مالکیت و دلبستگی ایجاد می‌کند و زمینه‌ای قوی برای همراهی و همکاری را فراهم می‌سازد.
- اعتبار بیشتری به برنامه‌های حفاظتی می‌دهد.
- طیف گسترده‌تری از افراد را در روند برنامه‌ریزی گردهم می‌آورد و دسترسی به دورنماها و ایده‌های بیشتری را فراهم می‌کند.
- رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی از لغزش‌های ناشی از عدم آگاهی درباره واقعیت یا جمعیت هدف جلوگیری می‌نماید.
- از همان آغاز کار اشخاص و نهادهای مؤثر را درگیر می‌کند.
- برای گروه‌های غالباً محروم از حق رای، فرصت ایجاد می‌کند تا صدایشان شنیده شود و به بقیه یاداوری می‌کند که این گروه‌ها هم حرف‌های مهمی برای گفتن دارند.
- موجب آموزش مهارت‌هایی می‌شود که فراتر از روند برنامه‌ریزی هم کاربرد داشته و باعث افزایش همکاری درازمدت می‌شوند.
- بعضی از اعضا که شاید در حالت عادی هیچ ارتباطی با هم نداشته باشند گرد هم می‌آورد و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد.
- فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی باعث می‌شود که میان ذی‌نفعانی که درگیر کار هستند اعتماد متقابل به‌وجود آید.
- فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی معمولا نشان‌دهنده رسالت و اهداف ذی‌نفعان است.
- این فرآیند به‌طور ضمنی همه اعضای ذی‌نفع را درخور احترام می‌شمارد و بدین لحاظ برای مشارکت افراد و قدرت‌بخشیدن به آن‌ها ضوابطی ایجاد می‌کند که سازمان‌های دیگر و کل جامعه خود را ناگزیر می‌بینند که از این ضوابط پیروی کنند.
- منطق اقتضا می‌کند که یک رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی تأثیرگذار باشد و برنامه‌های حفاظتی به درستی اجرا شوند.

۷- معایب برنامه‌ریزی مشارکتی حفاظت

- فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی زمان‌بر است.
- ممکن است که ذی‌نفعان در مورد ضروریات با کارشناسان و متخصصان هم‌نظر نباشند.
- ممکن است که ذی‌نفعان به آموزش نیاز داشته و آموزش فرایندی زمان‌بر و پر هزینه است.
- یک فرد انعطاف‌ناپذیر در صورتی‌که به درستی مدیریت نشود، ممکن است تمام فرآیند را بی‌ثمر و نابود کند.
- گردآوردن همه افراد مناسب برای انجام کار شاید دشوار باشد.
- فرآیند برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی مستلزم شکیبایی و پایبندی همه افراد دست‌اندرکار است.

- با آن‌که این مشکلات شاید در مسیر موفقیت یک فرآیند برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی چالش‌هایی واقعی یا بالقوه ایجاد کنند، با برطرف کردن آن‌ها احتمال این که مداخله‌ای مؤثرتر طراحی و اجرا شود بسیار افزایش می‌یابد.

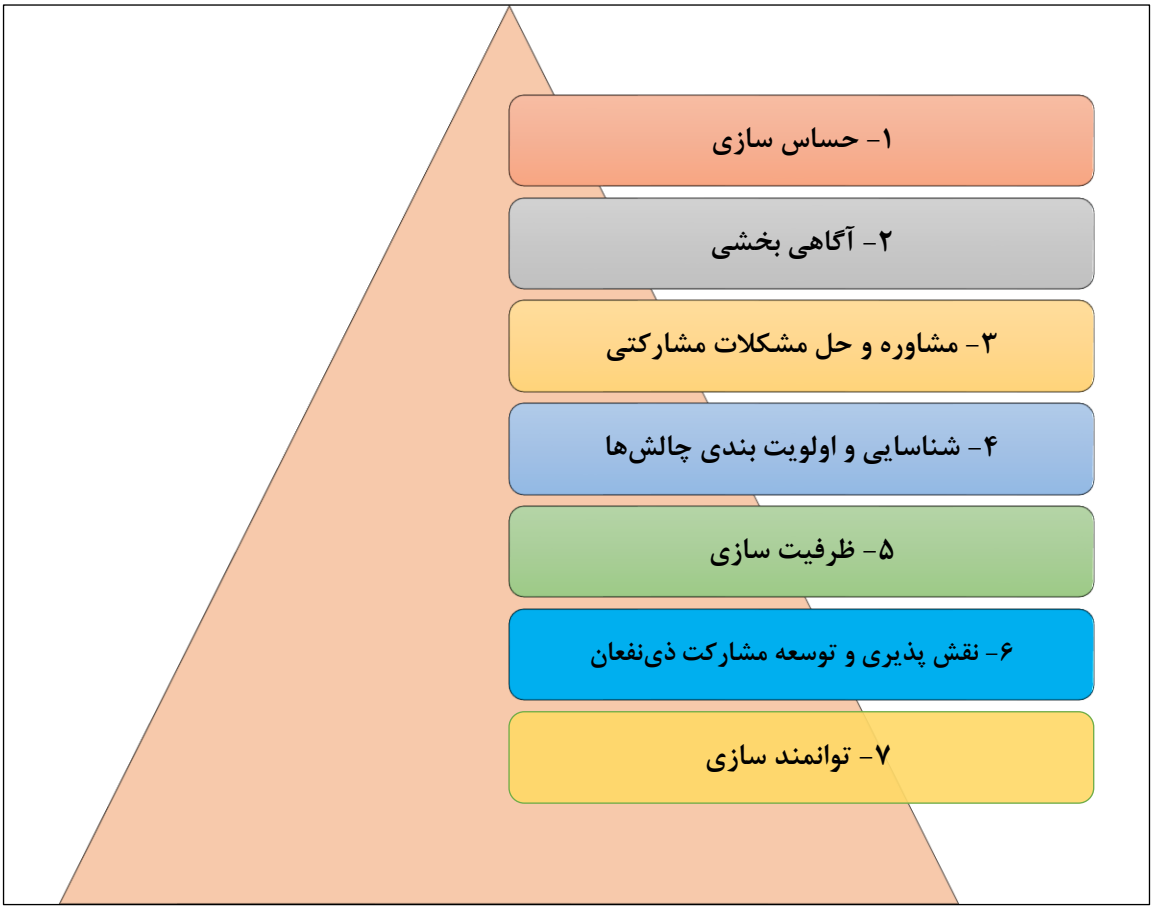
۸- سطوح برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی

برای بررسی برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی راه‌های گوناگونی وجود دارد. همان‌طور که پیش‌تر در مورد مزایا و معایب این فرآیند اشاره شد، حتی در بهترین حالت میان گزینش کارآمدی و فراگیر بودن یکی باید انتخاب کرد. کمبود وقت، نیازها، مهارت‌ها و تجربه کسانی که مشارکت می‌کنند، همگی از دیگر عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری فرآیند برنامه‌ریزی هستند. الگویی برای سطوح احتمالی مشارکت به‌صورت زیر تعریف شده است. هر یک از این سطوح شاید در شرایطی متفاوت یا برای گروه‌های گوناگون مناسب باشند، هر چند که فقط در تصمیم‌گیری جمعی به‌طور مشارکتی عمل می‌شود.

- **اطلاعات:** کمترین کاری که می‌توان کرد این است که به مردم بگویید برای چه چیز برنامه‌ریزی می‌شود.
- **رایزنی:** چند گزینه پیشنهاد می‌کنید و نظرات دیگران را درباره آن‌ها می‌شنوید.
- **تصمیم‌گیری جمعی:** دیگران را تشویق می‌کنید که ایده‌ها و گزینه‌های بیشتری را ارائه بدهند و در انتخاب بهترین راه برای عمل مشارکت کنند.
- **اقدام جمعی:** کسانی که سلیقه‌های متفاوتی دارند نه فقط برای انتخاب بهترین راه با هم تصمیم می‌گیرند، بلکه در اجرا نیز با هم مشارکت می‌کنند.
- **حمایت از اقدامات مستقل:** به دیگران در چارچوب مساعدت‌های مالی، مشاوره و پشتیبانی از جانب صاحبان امکانات کمک می‌کنید کاری را که می‌خواهند به انجام برسانند.

۹- فرایند برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی

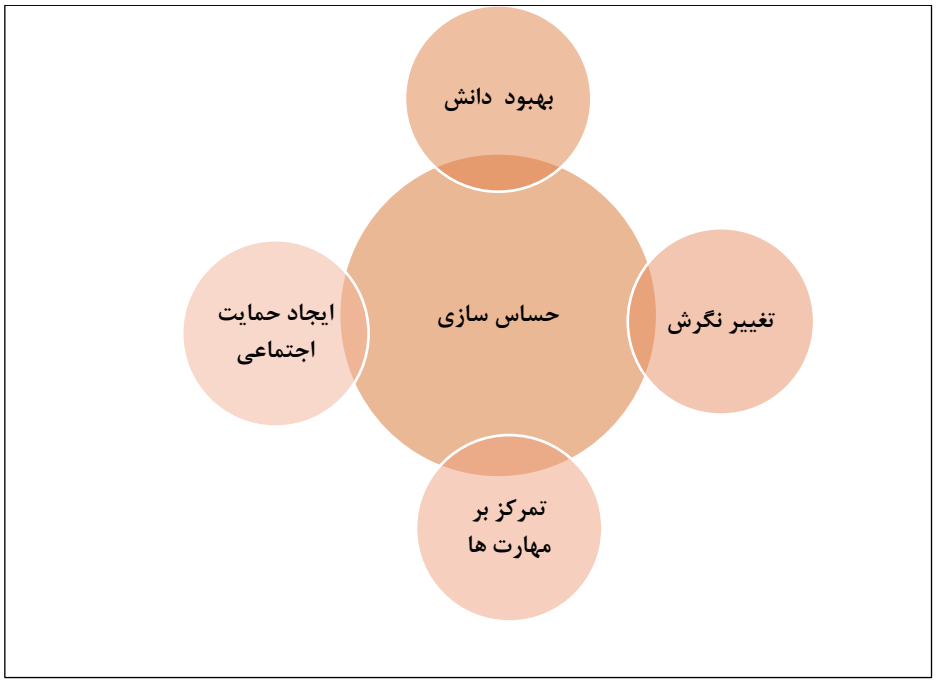
مشارکت در جامعه یعنی فرایند به‌کارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران برای دستیابی به یک هدف گروهی. در این فرایند، رفتار آگاهانه، خواست جمعی، پذیرش جمعی، انتخاب و وجود نیازهای مشترک اهمیت دارند. آن‌چه در یک فرایند مشارکتی موفق مهم است احساس نیاز برای حل یک مشکل، شناخت آن مشکل و احساس نیاز به همکاری گروهی با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از توانایی‌ها و امکانات موجود و حداکثر استفاده از آن‌هاست. با توجه به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر همه انسان‌ها حق دارند که در تعیین سرنوشت خود مشارکت کنند. فرایند مشارکت در برنامه‌های حفاظتی در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱: فرایند برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی

۹-۱- حساس‌سازی Sensitizing:

حساس کردن ذی‌نفعان، دولت و سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد به وضعیت تنوع زیستی و چالش‌های آن و امکان برقراری شرایط مشارکت بیشتر مردم در برنامه‌های حفاظتی می‌تواند نخستین پله مشارکت باشد. حساسیت به معنای واقعی کلمه به معنی حساس کردن افراد در مورد یک موضوع بوده و با ارائه راهنمایی‌های عمومی و جهت دادن، افراد آگاه‌تر شده و نسبت به مسائل واکنش بیشتری نشان دهند. راهکارهای حساس‌سازی در به شرح زیر آورده شده است (شکل ۲):



شکل ۲: فرایند حساس‌سازی

- **بهبود دانش:** آگاه کردن ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران در مورد موضوع و مطمئن بودن از این که آن‌ها اطلاعات صحیح برای درک واقعی اهمیت تنوع‌زیستی و حفاظت از آن دارند. هدف این است که مخاطبان هدف به‌طور انتقادی در مورد موضوع فکر کرده و اطلاعات را به‌طور فعال پردازش کنند.
- **تغییر نگرش:** این بدان معناست که شما می‌خواهید رفتار یا نگرش افراد را نسبت به موضوع تغییر دهید. باید به آن‌ها توضیح داد که چگونه رفتارها و نگرش‌های جدید بر اجرای برنامه‌های حفاظتی تأثیرگذار بوده و حتی لازم است برخی هنجارها و باورهای فرهنگی تغییر یابد.
- **تمرکز بر مهارت‌ها:** باید اطمینان حاصل کرد که که افراد مهارت‌های لازم برای تغییر رفتار و نگرش خود دارند.
- **ایجاد حمایت اجتماعی:** افرادی که نسبت به موضوع حساس شده‌اند باید بدانند چگونه می‌توانند سایر افراد را حمایت کرده و نسبت به حساس‌سازی و جلب مشارکت آن‌ها اقدام نمایند.

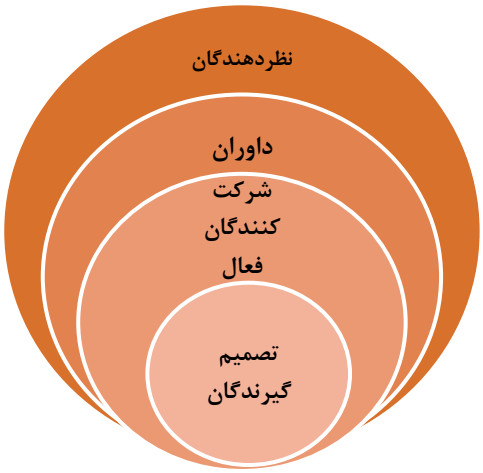
۹-۲- آگاهی‌بخشی Informing:

آشنایی با تنوع‌زیستی، توضیح فرآیندها و عواملی که منجر تغییرات و چالش‌های تنوع‌زیستی و محیط‌زیستی شده است می‌تواند موجب افزایش آگاهی و دانش جوامع مشارکت‌کننده گردد. مشارکت‌کنندگان بخش جدایی‌ناپذیر از تصمیم-گیری‌ها بوده و لازم است آگاهی لازم برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تدوین فرایندهای اجرایی داشته باشند. اگر چه اطلاعات عمومی به خودی خود مشارکت عمومی تلقی نمی‌شود، ولی یک جزء اساسی از برنامه مشارکت عمومی موثر هستند. افراد نمی‌توانند مشارکت کنند مگر اینکه اطلاعات کامل و عینی را دریافت کنند که بر اساس آن‌ها آگاهی‌ها افزایش یافته و با دید بازتری مورد مشورت قرار گرفته شود طرح‌ها و ایده‌های خود را اعلام نمایند. از آنجا که تصمیمات زیست محیطی به معنای واقعی کلمه کیفیت زندگی همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین عدم فراهم آوردن فرصت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی‌های زیست محیطی غیرمردم‌سالار و یا حتی غیراخلاقی خواهد بود (Hartley and Wood, 2005; Leroy and van Tatenhove, 2001). آگاهی بخشی به مردم از طریق برگزاری جلسات تخصصی، گردهمایی عمومی، همایش‌های علمی-تخصص، ایجاد گروه‌های مشاور، جشنواره‌ها و کارگاه‌های آموزشی خواهد بود. این آگاهی‌بخشی از طریق ابزارهایی از جمله اینترنت (فضای مجازی)، نمایشگاه‌ها، همایش‌ها، مصاحبه‌های رسانه‌ای و حضور در گفتگوها، روزنامه‌ها، اخبار، تبلیغات، ارائه اطلاعات به انجمن‌ها، خبرنامه‌ها و سازمان‌های خدمات عمومی صورت می‌پذیرد.

۹-۳- مشاوره و حل مشکلات مشارکتی Consultation and collaborating problem solving

افراد در یک جامعه در جلسات گروهی شرکت می‌کنند و نظرات خود را مطرح می‌کنند. آنان در این مرحله نیازهای خود را فهرست می‌کنند و درباره اولویت‌ها سخن می‌گویند. در این مرحله عدم اتفاق نظر جوامع بومی و محلی و گروه‌های دست‌اندرکار در تعیین چالش‌ها و مشکلات شفاف‌سازی می‌شود. مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی‌های حفاظتی باید مشورت بین شرکت‌کنندگان را ممکن ساخته و در نتیجه منجر به یادگیری اجتماعی شود. هیچ تعریف واحدی از یادگیری اجتماعی وجود ندارد، اما توصیف‌های فراوان این مفهوم همگی اهمیت گفتگو را در میان گروهای مردمی و دست‌اندرکاران با هدف درک بهتر دیدگاه‌های مختلف و توسعه فرایندهای اقدام جمعی نشان می‌دهد. در زمینه برنامه‌ریزی‌های حفاظت مشارکتی، یادگیری اجتماعی به منظور "شناسایی راهبردهای موثر و قابل قبول اجتماعی برای کاهش تأثیرات تهدیدها و شناسایی فرصت‌ها" است. این بدان معناست که "یادگیری اجتماعی شامل جریان ایده‌هایی است که یک‌طرفه نیست" (O'Faircheallaigh, 2010) یادگیری اجتماعی را می‌توان مشورت بین شرکت‌کنندگان با هدف کشف زمینه‌های مشترک بین موقعیت‌هایی که قبلاً متضاد یا ناسازگار تلقی می‌شدند و ایجاد درک مشترک جدید و ارزش‌های مشترک تعریف نمود (Connely and Richardson, 2005). بسیاری از پژوهشگران چنین فرایندهای مشورتی را کلید برنامه-ریزی توسعه پایدار می‌دانند و خواهان توسعه فرایندهای مشارکتی هستند که امکان بحث و بررسی واقعی را فراهم کرده و یادگیری اجتماعی را تسهیل می‌کند (Carely and Christie 2000). هدف از مشارکت عمومی، اطلاع‌رسانی درباره تصمیمات و شنیدن افکار عمومی قبل از تصمیم‌گیری نهایی است در نتیجه لازم است از طریق برگزاری جلسات مشاوره و نظرخواهی در تعیین اولویت‌ها به سطح بالایی از اجماع با جوامع محلی و دست‌اندرکاران به منظور موفقیت در

رویکردهای حفاظت مشارکتی دست یافت. هم‌چنین بایستی سطح مشارکت افراد نیز در این فرایند مشخص شود. سطوح مشارکت افراد در مرحله مشاوره و حل مشکلات مشارکتی در شکل ۳ آورده شده است.



شکل ۳: سطوح مشارکت افراد در مرحله مشاوره و حل مشکلات مشارکتی

۹-٤- شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌ها Recognition and prioritize chalenges

درک و تسلط کامل بر عوامل تخریب تنوع‌زیستی و اولویت بندی تهدیدها بر اساس نظرات ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران به‌طور گسترده در مطالعات علمی در برنامه‌ریزی‌های مشارکتی مورد بحث قرار گرفته است. پژوهش‌گران و سازمان‌های غیردولتی در حال توسعه سازوکارهایی برای هدف‌گذاری موثرتر در حفاظت مشارکتی از تنوع‌زیستی هستند. برای افزایش هم‌گرایی بین ذی‌نفعان و دست‌اندکاران دولتی و غیردولتی لازم است اولویت‌بندی تهدیدات تنوع‌زیستی بر اساس طیف وسیعی از متغیرها از جمله اولویت‌های مبتنی بر نظرات و نیازهای جوامع محلی، بوم‌سازگان‌ها و گونه‌های مورد تهدید را در نظر بگیرد. رویکردهای درک این انتخاب‌ها مهم بوده و می‌توان تفاوت‌ها را در تعیین اولویت‌ها تفسیر کرد. توصیه می‌شود بیش از یک روش و به‌صورت مقایسه‌ای برای تعیین اولویت‌ها استفاده شود. هم‌چنین توصیه می‌گردد که تصمیمات مربوط به تخصیص منابع به‌صورت واضح از نظر اهداف، محدودیت‌ها و هزینه‌ها مشخص گردد (Newig *et al.* 2018; Glucker *et al.* 2013).

۹-۵- ظرفیت‌سازی Capacity building

مشارکت در برنامه‌ریزی‌های حفاظتی باید به مشارکت‌کنندگان امکان توسعه مهارت‌های شهروندی از جمله بیان ایده‌ها و نظرات، برقراری ارتباطات و معاشرت و در نهایت همکاری و مشارکت عملی را فراهم سازد. مشارکت برنامه‌ریزی‌های حفاظتی وسیله‌ای برای افزایش ظرفیت مردم‌سالار در بین جوامع است. مشارکت فرصتی برای یادگیری مسئولیت اجتماعی و شهروندی را فراهم کرده و می‌تواند در اثربخشی برنامه‌های حفاظتی موثر باشد. فرض اساسی این است که تنها از طریق مشارکت (یادگیری تجربی) افراد می‌توانند به عنوان یک شهروند پتانسیل کامل خود را توسعه دهند. با پیروی از این طرز تفکر، مشارکت به افراد اجازه می‌دهد تا ظرفیت‌های خود را برای بیان علایق و نگرانی‌های خود توسعه دهند و به آن‌ها بینشی در مورد سیستم حکومتی ارائه می‌دهد. در نتیجه، مشارکت‌کنندگان نه تنها مهارت‌های شهروندی خود را توسعه

می‌دهند، بلکه آن‌ها "تعهداتی را انجام می‌دهند که مربوط به تکالیف شهروندی آن‌ها است. علاوه بر این، از طریق مشارکت در برنامه‌های حفاظتی افراد می‌توانند یاد بگیرند که چگونه علایق آن‌ها با دیگران ارتباط دارد و به یکدیگر وابسته است. مشارکت عمومی به معنای مشارکت هرچه بیشتر اعضای جامعه بوده و فقط مشارکت گروه‌هایی که علاقه-مندی‌های خاصی را نشان می‌دهند کافی نخواهد بود (O'Faircheallaigh, 2010). در این مرحله افزایش ظرفیت‌ها و استفاده از دانش محلی و دانشگاهی و تعیین روش‌های مدیریتی علمی و کاربردی با رویکرد مشارکتی در اولویت قرار دارد. تشکیل کارگروه‌هایی متشکل از مردم محلی، دولت و تسهیل‌گران برای رسیدن به اهداف این مرحله ضروری است.

۹-۶- نقش‌پذیری (توسعه مشارکت ذی‌نفعان) Role taking

عقیده بر این است که هدف اصلی مشارکت افراد در برنامه‌های حفاظتی، نقش‌پذیری افراد و گروه‌های حاشیه‌ای و با نفوذ کمتر است. فرد یا افراد جامعه بخشی از فرایند حفاظت مشارکتی محسوب می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را از این فرایند جدا کرد. وارد شدن در این فرایند، به معنای آغاز توانمند شدن مردم در جامعه محلی است. این تصور که مشارکت به عنوان سازوکاری برای توانمندسازی افراد و گروه‌های حاشیه‌ای عمل می کند بر این فرض استوار است که قدرت در جامعه به‌طور نابرابر توزیع شده است. به این معنی که گروه‌های خاصی از جامعه از مشارکت معنادار در تصمیم‌گیری محروم هستند. همواره این سوال مطرح است که چگونه این امر در عمل محقق می شود زیرا افراد و حتی دست‌اندرکاران محلی در واقع کمترین احتمال را دارند که در برنامه‌ریزی‌های کلان حفاظتی شرکت کنند. هم‌چنین آن‌ها منابع لازم برای این کار را ندارند و اغلب فرایندهای دخیل در حفاظت را بیگانه و ارعاب‌آور می‌یابند زیرا نقشی در تدوین فرایندها نداشته‌اند (O'Faircheallaigh, 2010). به نظر می‌رسد ایجاد، سازمان‌دهی و تجمیع ظرفیت‌های اجتماعی به منظور مشارکت در برنامه‌ریزی و جلب حمایت از برنامه‌های حفاظتی با توسعه مراکزحمایتی، مشاوره‌ای و آموزشی امکان‌پذیر است. مشارکت افراد فارغ از سن و جنسیت در توسعه ساختارهای اجتماعی- محیط‌زیستی متناسب با هنجارهای جامعه و شیوه زندگی مردم محلی به منظور مقابله با چالش‌های تنوع زیستی ضروری است.

۹-۷- توانمندسازی Empowerment

در فرایند مشارکت، تلاش تسهیل‌گر این است که مردم محلی با شناسایی نیازها، اولویت‌بندی و توسعه ساختارهای مناسب در حفاظت از محیط‌زیست منطقه به توانمندسازی لازم برسند (Jope, 2005; García-Barrios *et. al.*, 2020). توانمندسازی فرایندی است که طی آن ذی‌نفعان به قدرتی دست می‌یابند که می‌توانند جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را از طریق دسترسی به دانش، فرایندهای سیاسی و منابع مالی، اجتماعی و طبیعی را تغییر دهند. مشارکت عمومی در روند برنامه‌ریزی‌های حفاظتی، توزیع قدرت در جامعه را تغییر می دهد و افراد و گروه‌هایی قبلا در حاشیه بوده‌اند را توانمند می‌کند. بنابراین، هدف از مشارکت دستیابی به توزیع عادلانه‌تر قدرت و نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها از طریق اصلاح ساختارهای موجود است (O'Faircheallaigh, 2010).

۱۰- چه کسانی باید در روند برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی دخالت داشته باشند؟

پاسخ آرمانی به این پرسش آن است همه افراد می‌توانند در این فرایند مشارکت کنند، اما چنین چیزی اغلب شدنی نیست یا حتی شاید مطلوب نباشد. چه بسا هزارها نفر تحت‌تأثیر قرار بگیرند، از این رو دخیل کردن همه در یک روند برنامه‌ریزیِ ثمربخش امکان‌پذیر نیست. در ابتدا لازم است مقیاس محدوده‌ای که قرار است برای آن برنامه‌ریزی شود کاملا مشخص گردد و حتی مرزبندی آن تعیین گردد. مثلا برای برنامه‌ریزی حفاظت مشارکتی در سطح ملی، استانی و محلی شرایط می‌تواند متفاوت باشد. مقیاس محدوده مطالعاتی تعیین‌کننده بسیاری از عوامل از جمله فهرست و نقش ذی‌نفعان مشارکت-کننده دولتی و محلی است. از این رو لازم است سطوح مختلف و مقیاس‌های مختلف تشریح گردد که چگونه می‌خواهد حفاظت را بین ذی‌نفعان مختلف به عنوان یک جریان شکل دهد. هدف از طرح‌های حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی در محدوده یک واحد حفاظتی یا یک بوم‌سازگان مشخص از جمله یک تالاب است. لذا با توجه به محدوده مطالعاتی تعریف شده می‌توان نسبت به انتخاب و تحلیل ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران اقدام نمود. هم‌چنین تهدیدها و علل از بین رفتن تنوع-زیستی و دلایل آن و تهدیدهای پیش رو می‌تواند در انتخاب گروه‌های هدف مؤثر باشد. نخستین گام برای آغاز یک فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی یافتن افرادی است که در آن نقش داشته باشند. بخشی از این مهم با ارتباط گرفتن و تلاش برای شناسایی آن‌ها میسر می‌شود. شاید در فرآیند برنامه‌ریزی به مشارکت همه آن‌ها، یا حتی بسیاری از این گروه‌ها و افراد نیازی نباشد. برای مشخص کردن این که چه کسی باید مشارکت کند بهترین کار این است که پرسید: «این وضعیت بر چه کسی به‌طور مستقیم اثرگذار است؟». پاسخ‌هایی که به این پرسش داده می‌شود بسیار متفاوت خواهند بود.

۱۱- شناخت و تحلیل ذی‌نفعان

شناخت ذی‌نفعان در برنامه‌های حفاظت از طبیعت و تنوع‌زیستی می‌تواند ضامن موفقیت و پایداری عملکرد برنامه‌ها باشد. ذی‌نفعان، افراد یا سازمان‌هایی هستند که بر نگرش، منابع یا خروجی‌های برنامه‌ها تأثیر می‌گذارند و می‌توانند نقش و تأثیر مهمی بر اهداف در نظر گرفته شده و موفقیت برنامه‌های حفاظتی داشته باشند. شناسایی و مشخص نمودن ذی‌نفعان گام اول تدوین برنامه‌های حفاظتی است. ذی‌نفعان منافع متنوع و اهداف متفاوت دارند و همه آن‌ها به دنبال جذب کامل منافع و حذف ریسک خود می‌باشند و دائم در رقابت هستند. اولویت‌بندی برنامه‌ها و تعیین چگونگی اجرای آن‌ها به‌منظور مدیریت و حفاظت از تنوع زیستی نیازمند مشارکت جوامع محلی و ذی‌نفعان است. اتخاذ سیاست‌های مناسب برای جلب نظر ذی‌نفعان نیازمند شناسایی ارزش‌های مورد انتظار آن‌ها است. با شناسایی و تحلیل ذی‌نفعان، اطلاعات مفیدی از جمله شناسایی مردم، گروه‌ها و نهادهایی که بر برنامه‌های حفاظتی تاثیر مثبت یا منفی می‌گذارند، پیش‌بینی نوع تاثیر (مثبت یا منفی)، توسعه راهبردهایی که برای گرفتن بیشترین حمایت موثر و ممکن از ذی‌نفعان و کاهش هر گونه موانع موفقیت برنامه‌ها عمل به‌دست می‌آید (Low *et al.*, 2009).

پژوهش‌ها نشان داده است که کاهش تنوع زیستی و زیستگاه‌های موجود، پیامد فعالیت‌ها و نیروهای اقتصادی-سیاسی است (White *et al.*, 2001). بنابراین شناخت و تحلیل ذی‌نفعان دامنه‌ای از روش‌های مختلف برای تحلیل علایق و منافع ذی‌نفعان را در برمی‌گیرد و تعیین می‌کند کدام منافع باید در زمان تصمیم‌گیری لحاظ شوند. تحلیل ذی‌نفعان در واقع

ارزیابی آن‌ها از منظر سطح تصمیم‌گیری و نقش آن‌ها در برنامه‌های حفاظتی می‌باشد. بر این اساس نقش ذی‌نفعان در سه گروه مشخص شده است:

- **ذی‌نفعان کلیدی:** افراد یا گروه‌هایی که جایگاه مهمی در مدیریت و برنامه‌ریزی داشته و می‌توانند اثر مهمی بر اجرای طرح‌های حفاظتی داشته باشند یا در تحقق اهداف آن، مهم‌ترین نقش را ایفا کنند.
- **ذی‌نفعان اولیه:** آن‌هایی هستند که به‌طور مستقیم تحت تأثیر اجرای طرح‌های حفاظتی قرار می‌گیرند یا بر آن اثر می‌گذارند، خواه از آن منتفع شوند یا منفعتی را از دست بدهند.
- **ذی‌نفعان ثانویه:** افراد یا گروه‌هایی که به‌صورت غیرمستقیم (مثبت یا منفی) بر برنامه‌های حفاظتی تاثیر گذاشته و یا دارای نقش واسطه‌ای بوده و می‌توانند بر اجرای طرح‌ها اثر داشته باشند.

به‌طور کلی، تحلیل ذی‌نفعان عبارت است از شناسایی ذی‌نفعان کلیدی، ارزیابی شیوه‌ای که ذی‌نفعان ممکن است از طریق آن بر نتایج طرح‌های حفاظتی اثر بگذارند یا از نتایج آن متأثر شوند، درک روابط میان ذی‌نفعان شامل ارزیابی تضادهای بالقوه یا بالفعل منافع و انتظارات میان ذی‌نفعان، ارزیابی ظرفیت ذی‌نفعان، ارزیابی منافع‌شان در برنامه‌های حفاظتی و شناسایی روش‌هایی است که این منافع تحت تأثیر برنامه‌ها، دوام و پایداری آن قرار می‌گیرند. هم‌چنین طی پژوهش‌های متعدد بر آن دسته از رویکردهای مدیریتی که جوامع محلی را در فرآیندهای تصمیم‌گیری دخالت می‌دهند، تأکید شده است و این امر به عنوان راهکاری برای دستیابی به مدیریت موفق معرفی شده است (مهرابی و قربانی، ۱۳۸۸؛ Norberg & Cumming, 2008؛ Armitage *et al.*, 2008؛ Brondizio *et al.*, 2009). در راستای دستیابی به تضمین بهتری از پایداری تنوع زیستی، انجام فعالیت‌ها و برنامه‌هایی از جمله موارد زیر ضروری است:

- ایجاد حس مشارکت و تعامل میان ذی‌نفعان در راستای بهبود روحیه همکاری و توسعه فردی
- به‌کارگیری ظرفیت‌ها، دانش بومی، قوانین و اعتقادات بومی و محلی در برنامه‌های اجرایی حفاظت از تنوع زیستی و زیستگاه‌های آن‌ها
- تلاش در جهت توانمندسازی جوامع بومی به منظور کاهش فشار بر تنوع زیستی و زیستگاه‌ها
- آموزش مستمر و یکپارچه جوامع بومی در همه سطوح (فرد، فرزندان و خانواده)
- گسترش همکاری میان سازمان‌ها و اداره‌های استانی، شهرستانی و محلی در جهت اجرای مؤثر برنامه‌های حفاظت مشارکتی
- گسترش تعاملات و بهره‌گیری از پتانسیل‌های علمی، فنی و بین‌المللی
- توسعه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد

بهره‌گیری از دانش محلی می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت تنوع‌زیستی ایفا نماید (Redeloff *et al*, 1999). مدیریت پایدار زمانی موثر و کارآمد خواهد بود که مشارکت جوامع محلی در حفاظت از تنوع‌زیستی و زیستگاه‌ها در برنامه‌ریزی‌های مدیریتی گنجانده شود (Khalyani & Mayer, 2011). هم‌چنین موفقیت در حفاظت از تنوع‌زیستی به میزان سنجش نگرش و دیدگاه عمومی مردم و درک افکار عمومی از فعالیت‌ها و کارکردهای نهادهای مسئول در امر حفاظت نیز وابسته است (Ebua *et al.*, 2011). بنابراین رویکردی که در تدوین برنامه‌های حفاظتی به‌کار گرفته شده است از نوع "رویکرد مدیریت زیست‌بومی" است. در این رویکرد، مردم بخش اصلی زیست‌بوم هستند، زیرا جوامع محلی بیشترین انگیزه را برای مدیریت پایدار زیست‌بوم خود دارند و تداوم زندگی هیچ‌کس بیشتر از آن‌ها در معرض تهدیدهای زیست محیطی قرار ندارد. جوامع محلی به سبب نزدیکی با زیست‌بوم مربوطه، دانش و معلومات ویژه‌ای دارند که ترکیب آن‌ها با دانش علمی روز می‌تواند به مدیریت متوازن و پایدار زیست‌بوم منجر شود. فراهم نمودن فضای همکاری با افراد بومی و جلب مشارکت، همراهی و هم‌افزایی ذی‌نفعان به‌منظور ایجاد فضای ملی، استانی و محلی برای حفاظت و مدیریت تنوع زیستی و زیستگاه‌های آن لازم و ضروری می‌باشد. شناسایی و تحلیل ذی‌نفعان (گروه هدف و عاملان تغییر) مرحله‌ای مهم در فرایند برنامه‌ریزی است. بهتر است که نمایندگانی شایسته از گروه‌ها و قشرهای گوناگون از جمله موارد زیر در روند کار مشارکت داشته باشند:

۱۱-۱- کسانی که هدف تغییر هستند

منظور کسانی است که تغییر برای تأثیرگذاری بر آن‌ها و با نیت ثمربخش بودن برای آن‌ها صورت می‌گیرد. چنین هدفی ممکن است بسیار مشخص و یا بسیار کلی باشد. در این‌جا باید دو گروه را در نظر گرفت:

اعضای جامعه هدف، کسانی که مداخله به‌طور مشخص برای آن‌ها انجام می‌شود.

کسانی که جامعه هدف، آن‌ها را در شکل دادن به افکار عمومی تأثیرگذار می‌داند. این افراد ممکن است اعضای خود جمعیت هدف باشند و یا از بیرون این جمعیت از جمله روحانیان، مشاوران، اعضایی‌که اکنون به محافل قدرت و سیاست راه یافته‌اند و افراد مورد اعتماد مردم در جامعه باشند. برای شناسایی گروه‌های هدف لازم است به این موارد پاسخ داده شود:

- ✓ مشکل بر چه کسانی تأثیر می‌گذارد؟ چه کسانی مشکل را به‌وجود آورده‌اند؟ در پاسخ به این سوال‌ها باید دقت گردد که فقط اکتفاء به جواب‌های بدیهی کافی نیست و عملکرد (و یا عمل نکردن) افراد مسئول نیز ریشه مشکل محسوب می‌شود.
- ✓ چه کسانی قبلاً از این مشکل آسیب دیده‌اند؟ آیا آن‌ها نیز باید مورد حمایت قرار گیرند؟ مثلاً، از بین رفتن جنگل‌های حرا موجب از بین رفتن مشاغلی در گذشته شده است؟ آیا گردشگری تحت تأثیر قرار گرفته است؟

- ✓ هم‌گروهی‌های افرادی که تحت تأثیر مشکل قرار دارند چه کسانی هستند؟ مثلا، آیا با تغییرات زیستگاهی و تنوع زیستی در منطقه و کاهش صید و صیادی همه افراد آسیب دیده‌اند؟ آیا مراکز پرورش میگو تأثیری بر معیشت افراد محلی داشته است؟

۱۱-۲- عاملان یا کارگزاران تغییر

کسانی هستند که سیاست‌گذاری می‌کنند یا افکار عمومی را شکل می‌دهند. این دسته هم شامل کسانی است که کارشان سیاست‌گذاری است و هم کسانی را در برمی‌گیرد که به‌طور کلی بر فرایند تأثیرگذارند و با پشتیبانی یا مخالفت خود ممکن است به تحقق برنامه‌ریزی کمک کنند یا مانع آن شوند. برای شناسایی عاملان تغییر موارد زیر ضروری است:

- ✓ چه کسی قدرت ایجاد تغییر مثبت در برنامه‌ریزی را دارد؟
- ✓ چه کسی زمان، منابع و اراده لازم برای ایجاد تغییر را در اختیار دارد؟
- ✓ چه کسانی با افرادی که رفتارشان باید تغییر کند، ارتباط دارند؟ «گروه هدف تغییر» به چه کسی اعتماد دارد؟ به حرف چه کسی گوش می‌دهد؟ افرادی که قبلا هدف تغییر بوده‌اند و یا در حال حاضر هستند.
- ✓ در انتخاب عاملان و هدف تغییر توجه به همه بخش‌های جامعه، از جمله اقلیت‌های دینی، مدرسه‌ها، صاحبان کسب و کار، در برنامه‌ریزی مشارکتی ضروری است.

۱۱-۳- مسئولان محلی

مقامات کشوری یا محلی که انتخاب شده‌اند یا منصوب شده‌اند و در فرایند برنامه‌ریزی یا در زمینه مسأله‌ای که مداخله با هدف تغییر آن صورت می‌گیرد، نفوذ دارند. رئیس‌های نهادهای دولتی محلی که مجری سیاست‌های گوناگون در جامعه هستند. اگر آن‌ها از آغاز کار در جریان قرار بگیرند ممکن است که مقررات را تعدیل و یا فرآیند اجرای آن‌ها تسهیل کنند.

۱۱-٤- افراد بانفوذ در جامعه

اعضای ذی‌نفع در کسب و کار، روحانیان و اجتماع رهبران دینی، رهبران و معتمدان محلی، کسانی که مورد احترام دیگران هستند و دیگران از آن‌ها حرف شنوی دارند و مدیران یا کارکنان سازمان‌های دیگری که تحت تأثیر موضوع مورد بحث قرار می‌گیرند می‌توانند در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی مشارکت کنند.

۱۲- مراحل اجرایی فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی

در ابتدا با شناسایی ذی‌نفع‌ها لازم است تبلیغ کافی به منظور حساس‌سازی ذی‌نفعان برای مشارکت در فرایند انجام گردد. سپس فراخوان برنامه مشارکتی و فرایند برنامه‌ریزی به شرح ذیل انجام خواهد شد:

۱-۱۲- انتخاب فرد مسؤول برای آغاز فرآیند

۲-۱۲- برگزاری جلسه برای شروع فرایند با حضور افراد محدود

برای شروع رایزنی درباره فرآیند برنامه‌ریزی، برپایی یک جلسه بزرگ همیشه بهترین راه نیست. شاید بعضی افراد یا گروه‌ها مشتاق حضور در جلسه‌ای بزرگ نبوده و در این جلسات شرکت نکنند و یا اگر شرکت می‌کنند هم رغبتی به سخن گفتن نداشته باشند. مثل هر فرآیند دیگر باید کار را طوری شروع کرد که شرکت‌کنندگان احساس راحتی کنند و سپس کار را ادامه داد.

۳-۱۲- حفظ فرآیند برنامه‌ریزی

وقتی فرآیند مشارکتی آغاز شد، باید در حفظ فرایند تلاش کرد تا شرکت‌کنندگان هم‌چنان علاقه‌مند بمانند، در صورت نیاز از پشتیبانی برخوردار شوند، اختلافات حل و فصل شوند و روش‌هایی استفاده شود که فرآیند به شکل مؤثری ادامه یابد.

٤-۱۲- انتخاب فرد مسئول هدایت فرآیند

یافتن فردی مناسب برای این مسئولیت بسیار مهم است. این شخص باید بتواند که با همه افراد دست‌اندرکار به خوبی ارتباط برقرار کند، دورنمای کار دیده و با مشکلات را حل کند.

۵-۱۲- انتخاب سازوکار تصمیم گیرنده نهایی با تشخیص ذی‌نفعان، ناظرین و دولت.

۱۳- موارد مهم در رویکرد حفاظت مشارکتی

- رویکرد مشارکتی به زبانی ساده از این قرار است که هر کس نفع یا نقشی در موضوع دارد بتواند به‌صورت شخصی و یا به‌واسطه نماینده‌اش نظر خود را بیان کند. از مشارکت هر فرد و نهادی باید استقبال کرد و آن را محترم شمرد. در عین حال، این روند نباید زیر سلطه یک شخص، گروه و یا دیدگاه منفرد قرار بگیرد. البته آن چه گفته شد وضعیت ایده‌آل است و واقعیت اغلب چیز دیگری است. بعضی اشخاص شاید نخواهند درگیر موضوع شوند و ممکن است احساس کنند که وقت زیادی از آن‌ها گرفته می‌شود و یا این که مهارت‌های لازم را ندارند. بعضی افراد یا گروه‌ها هم اگر برای مشارکت دعوت نشوند شاید احساس کنند که طرد شده‌اند یا به آن‌ها بی‌احترامی شده است. در شماری از این موقعیت‌ها ممکن است فرآیند مشارکتی به همان اندازه مشکل‌ساز شود که فرانخواندن دیگران به مشارکت دردسرآفرین باشد. واژه مشارکتی به این معناست که پیش از اقدام و عمل، نظر افراد را جویا و در روند برنامه‌ریزی نیز هر مشارکت‌کننده به همراه و کمک‌کننده‌ای مهم تبدیل می‌شود.
- باید توجه داشت که اگر با افرادی در یک گروه ذی‌نفعان رایزنی می‌شود، باید به آن‌چه می‌گویند توجه نمود. اگر قصد این است که ایده‌ها و توصیه‌های آن‌ها را نادیده گرفت، به هیچ‌وجه نباید با آن‌ها مشورت کرد. این که عقیده کسی را بپرسید و بعد آن را نادیده بگیرید به مراتب توهین‌آمیزتر و آزاردهنده‌تر از آن است که اصلا از او نظر نخواهید و دیوار بی‌اعتمادی را بلندتر خواهد نمود. حداقل کاری که باید کرد این است که به مردم توضیح داده شود چرا به پند و پیشنهاد آن‌ها عمل نشده است.
- تصمیم‌گیری جمعی زمانی مناسب است که هرکسی خود را در برنامه در دست اجرا سهیم بداند، به ایده‌هایی تازه نیاز است، به جذب افراد جدید و مؤثر نیاز است و تعهد داده شود که در طول فرآیند از کسانی که به حمایت نیاز دارند پشتیبانی می‌شود.
- در واقعیت فرآیند برنامه‌ریزی اغلب با محدودیت زمانی و مهلت تعیین شده مواجه هستیم. لازم است با تدبیر میان میزان مشارکت و محدودیت‌های زمانی تعادل برقرار گردد تا در شرایط موجود از بالاترین سطح مشارکت بهره‌گیری شود.
- واژه «شراکت» به‌طور ضمنی به معنای پیوندی میان برابرهاست، جایی که هر کس بتواند اظهارنظر کرده و از قدرت و مسئولیت سهمی برابر با دیگران داشته باشد. ایجاد چنین ارتباطی مستلزم صرف وقت، پایبندی به فرآیند و نیز داشتن تمایل برای کنارآمدن با اختلاف نگرش‌ها و تفاوت‌های فکری است.

- پشتیبانی از اقدامات محلی وقتی مناسب است که تعهدی به توانمند ساختن جامعه هدف وجود داشته باشد و جامعه هدف هم مایل به مشارکت باشد و هم بعضی از ابزارهای لازم را برای شروع و مدیریت مشارکت موفق در اختیار داشته باشد.
- این تعهد وجود داشته باشد که در صورت نیاز افراد از آموزش و پشتیبانی لازم برخوردار شده و این فرایند امکان تداوم تا حصول به اهداف از پیش تعیین شده را داشته باشد.

منابع:

- مهرابی، ع. و قربانی، م. ۱۳۸۸. اولویت عامل انسانی در تعامل دام و مرتع. چهارمین همایش ملی مرتع و مرتع‌داری ایران. کرج.
- مشهدی، ع. (۱۳۹۵). دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی. دولت پژوهی, ۲(۸), ۵۹-۸۰.
- Armitage, D. R., Plummer, R., Berkes, F., Arthur, R. I., Charles, A. T., Davidson-Hunt, I. J., Diduck, A. P., Doubleday, N. C., Johnson, D. S and Marschke, M. (2008). Adaptive comanagement for social- ecological complexity. Frontiers in Ecology and the Environment, 7: 95-102
- Baldauf, C (ed.), Participatory Biodiversity Conservation: Concepts, Experiences and Practices (Gewerbestrasse, Switzerland: Springer Nature.
- Bermejo L. A., Lobillo J. R. and Molina C. (2020) People and Nature Conservation: Participatory Praxis in the Planning and Management of Natural Protected Areas. . In Baldauf, C (ed.), Participatory Biodiversity Conservation: Concepts, Experiences and Practices (pp. 129–150). Gewerbestrasse, Switzerland: Springer Nature.
- Brondizio, E. S., Ostrom, E., Young, O. R. (2009). Connectivity and the governance of multilevel socialecological system: The role of social capital. Annual review of environment and resources, 34: 253-278.
- Butchart, S. H. M., Walpole, M., Collen, B., Van Strien, A., Scharlemann, J. P. W., Watson, R., … 2010. Global biodiversity: indicators of recent declines. Science 328, 1164–1168.
- Carely M, Christie I. (2000) Managing Sustainable Development. 2nd ed. London: Earthscan; 2000.
- Clement, C, Levis, C, Franco-Moraes, J, Braga-Junqueira, A (2020) Domesticated nature: the culturally constructed niche of humanity. In Baldauf, C (ed.), Participatory Biodiversity Conservation: Concepts, Experiences and Practices (pp. 35–52). Gewerbestrasse, Switzerland: Springer Nature.
- Colchester M. 1996. Beyond "participation": indigenous peoples, biological diversity conservation and protected area management. FAO, Unasylva, Vol. 47/186; 33 - 39; 7 p. http://www.fao.org/3/w1033e/w1033e08.htm
- Connelly S, Richardson T. (2005) Value-driven SEA: time for an environmental justice perspective? Environ Impact Assess Rev , 2005;25:391–409.
- de Souza Maia I., Teixeira D. I. A., Henriques V. M. C. and Cabral M. C. (2020) Macroalgae Mariculture as a Social and Environmental Alternative for Coastal Traditional Communities of the Semi-Arid Region of Northeast Brazil. In Baldauf, C (ed.), Participatory Biodiversity Conservation: Concepts, Experiences and Practices (pp. 91–98). Gewerbestrasse, Switzerland: Springer Nature.
- Ebua, V. B., Agwafo, T. E and Fonkwo, S. N. 2011. Attitudes and preceptions as threats to wildlife conservation in the Bakossi area, South West Cameroon. International Journal of Biodiversity and Conservation: 3(12): 631-636.
- García-Barrios L., Dechnik-Vázquez Y., Meza-Jiménez A., Rivera-Núñez T., Cruz-Morales J., Trujillo-Díaz G., Braasch M., Gutiérrez-Navarro A., Speelman E., Valencia V., Zabala A. (2020) Challenges for Rural Livelihoods, Participatory Agroforestry, and Biodiversity Conservation in a Neotropical Biosphere eserve in Mexico. . In Baldauf, C (ed.), Participatory Biodiversity Conservation: Concepts, Experiences and Practices (pp. 69–89). Gewerbestrasse, Switzerland: Springer Nature.
- García-Barrios L., Cruz-Morales J., Braasch M., Dechnik-Vázquez Y., Gutiérrez-Navarro A., Meza-Jiménez A, Rivera-Núñez T., Speelman E., Trujillo-Díaz G., Valencia V, and Zabala A. (2020) Challenges for Rural Livelihoods, Participatory Agroforestry, and Biodiversity Conservation in a Neotropical Biosphere Reserve in Mexico. In Baldauf, C (ed.), Participatory Biodiversity Conservation: Concepts, Experiences and Practices (pp. 69–89). Gewerbestrasse, Switzerland: Springer Nature.
- Glucker, A. N., P. P. Driessen, A. Kolhoff, and H. A. Runhaar. (2013.) "Public Participation in Environmental Impact Assessment: Why, Who and How?" Environmental Impact Assessment Review 43: 104–111. doi:10.1016/j.eiar.2013.06.003
- Hartley N, Wood C. (2005) Public participation in environmental impact assessment implementing the Aarhus Convention. Environ Impact Assess Rev, 2005;25:319–40
- Hurlbert S. H. (1971) The non-concept of species diversity: a critique and alternative parameters, Ecology 52: 577-586.
- Jope, S., 2005. The theory and practice of community participation: engagement the first step. Paper presented to Australian Social Policy Conference, University of New South Wales, Sydney.
- Kangas A., Gove J. H. & Charles. (2006) Introduction. In A. Kangas & M. Maltamo (Eds.), Forest Inventory: Methodology and Applications, (Vol. 10, pp. 1-11). Dordrecht: Springer.

- Khadka D, Nepal SK (2010) Local responses to participatory conservation in Annapurna Conservation Area, Nepal. Environ Manag 45:351–362. https://doi.org/10.1007/s00267-009-9405-6
- Khalyani, A. H and Mayer, A. (2011). Anallyzing effective protection for reo deer (Capeolus capreolus) habitat in Iranian Zagros forests at two scales Exhibit Hall 3, Austin Convention Center. Fridat, August 12 (www.eo. confex. Com).
- Leroy P, Van Tatenhove JP. (2001) Environment and Participation — The Shifting Significance of a Double Concept. In: Driessen PP, Glasbergen P, editors. Greening Society The Paradigm Shift in Dutch Environmental Politics. Dordrecht: Kluwer Academic Publishers; 2001.
- Low, B., Sundaresan, S. R., Fischhoff, I. R and Rubenstein, D. I. (2009). Partnering with local communities to identify conservation priorities for endangered Grevy's Zebra. Biological Conservation, 142: 1548-1555.
- Newig, J., E. Challies, N. W. Jager, E. Kochskaemper, and A. Adzersen. (2018.) "The Environmental Performance of Participatory and Collaborative Governance: A Framework of Causal Mechanisms." Policy Studies Journal 46 (2): 269–297. doi:10.1111/psj.12209.
- Norberg, J and Cumming, G. S. (2008). Complexity theory for a sustainable future. Columbia Universitu Press, New York, USA.
- O'Faircheallaigh C. (2010) Public participation and environmental impact assessment: purposes, implications, and lessons for public policy making. Environ Impact Assess Rev , 2010;30:19–27.
- Palomo, I. 2017. Participatory scenario planning. IUCN News. https://www.iucn.org/news/protected-areas/201712/participatory-scenario-planning.
- Pressey, B and Álvarez-Romero, J. 2018. Multiple objective planning in northern Australia (Scenario planning info sheet), Australian Government's National Environmental Science Program.
- Quinlan, F. Ravera, I. Ruiz-Mallén, M. Thyresson, J. Mistry, I. Palomo, G. D. Peterson, T. Plieninger, K. A. Waylen, D. Beach, I. C. Bohnet, M. Hamann, J. Hanspach, K. Hubacek, S. Lavorel and S. Vilardy 2015. Participatory scenario planning in place-based social-ecological research: insights and experiences from 23 case studies. Ecology and Society 20(4):32.
- Redeloff, V. A., Pidgeon, M and Hoster, P. (1999). Habitat and population modeling of Roe using an interactive geographic information system. Ecological Modeling, 114: 267-304.
- Sullivan L (2019) Conservation in context: toward a systems framing of decentralized governance and public participation in wildlife management. Rev Policy Res 36:242–261.
- Tuomisto H. (2010) A consistent terminology for quantifying species diversity? Yes, it does exist, Oecologia, 164 (4), 853-860.
- Turreira-García N, Lund JF, Domínguez P et al (2018) what's in a name? Unpacking "participatory" environmental monitoring. Ecol Soc 23(2):24.
- White, P. C. L., Bennett, A. C and Hayes, E. J. (2001). Use of willingness-to- pay approaches in mammal conservation. Mammal Review, 31 (2): 151-167.